



تفسیر قرآن کریم (سورہ حمد)

دکتر دل آرا نعمتی پیر علی

عضو گروہ پژوهشی علوم قرآن و حدیث

پژوهشکده قرآن و عترت

عنوان کتاب: تفسیر سوره حمد

نام مؤلف: دل آرا نعمتی پیرعلی

شمارگان: جلد

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹

حروفچینی: مهدی فیروزخانی

قیمت: ۸۳۰ تومان

مقدمه مؤلف

قرآن کریم کتابی است که از عالم بالا نازل شده و در قالب عباراتی برتر از بلاغت ظهور یافته و در هدایت بشر تأثیری شگفت‌انگیز داشته است. کتابی که پرتو هدایت آن تمام زوایای روح و فکر و نفس انسانی را فرا یافته و کلیه روابط، حدود و حقوق انسانها را با یکدیگر و با خالق خود تبیین نموده و رابطه اعمال با نتایج آن را روشن ساخته است. کتابی که انسانها را به سمت صلاح و اصلاح پیش برد و استعدادهای خفته را بیدار کرد و اندیشه‌ها را بارور نمود، شعله‌های ایمان را در دلها برافروخت. تاریکی اوهام، وحشتها و کینه‌ها را از میان برد، بندهای اسارت عقل و اندیشه و نفس انسان را از بندگی غیر خدا از هم گسیخت و راههای قانونی بهره‌برداری از لذات مادی و معنوی را به روی همگان گشود. با ایجاد تحول در عمق ضمیر و نفس انسان، جهشی در اندیشه و اخلاق و آداب پدید آورد و تلازم میان ماده و معنا و دنیا و آخرت را به تصویر کشیده، ناهماهنگی میان جسم و جان بشر را از میان برداشت. همانگونه که نور و هوا و غذا و آب برای ادامه حیات و پرورش جسم، از ضروریات است، هدایت برای ادامه حیات معنوی و تکامل آن از ضروریات سازمان معنوی انسان است.

اندیشه آزاد و اختیار در عمل از امتیازات آدمی است. او می‌اندیشد که بفهمد و آنگاه عمل می‌کند. هر چه اندیشه عمیق‌تر، برتر و روشن‌تر باشد، عزم بر عمل پابرجاتر و آثارش وسیع‌تر و باقی‌تر خواهد شد. بنابراین، بایستی پرتو هدایت برتری بر خردها و نفوس بتابد تا رهبر

انسان آزاداندیش گردد و شخصیت او را پرورش داده و به سوی خیر و صلاح و بقاء پیش ببرد. اگر چنین پرتو هدایتی بر نفوس انسانی نتابد، ارزش آدمی که همان عقل و اختیار و انتخاب است از میان می‌رود زیرا استعدادها چنان که باید ظهور نمی‌یابند و چشم انداز عقول محدود گشته و جهشی در تکامل انسان رخ نمی‌دهد. به همین دلیل پیامبران که مردان برتر الهی هستند برانگیخته شدند تا این رسالت را که همانند همهٔ ضروریات حیات است، انجام دهند.

در انتهای سلسلهٔ پیامبران و انزال کتابهای آسمانی، نور هدایت قرآن کریم به صورت کلمات و آیات درآمده و با بیان اصول توحید و راه و روش حیات، نمایاندن عاقبت آن و تبیین حقوق و حدود و اصول قوانین و احکام و عبادات، روشنگر راه انسانها در طول قرون و اعصار گشت.^۱

پر واضح است که روشنگری قرآن کریم در گرو معرفت به آن است و معرفت به قرآن در حدّ نازل آن عبارتست از پرده برداشتن از مفاهیم آن به وسیلهٔ برهانهای عقلی و نقلی.

از همین روی خداوند در آیات قرآن، خردمندان و اندیشه‌ورزان در آیات الهی را ستوده و دیگر انسانها را به تدبر در آن دعوت نموده و گناه را مانع اصلی تدبر در قرآن و به منزلهٔ قفل قلب انسان معرفی نموده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۲

(آیا در قرآن فکر نمی‌کنند یا بر قلبهایشان قفلهاست.) بی‌شک معرفت یافتن نسبت به سورهٔ «حمد» که «أم القرآن» نام گرفته و جامع تمام معارف آسمانی قرآن کریم است تأثیری فراوان در جذب پرتوهای هدایت قرآن کریم خواهد داشت. همانگونه که شرط صحت نماز، تلاوت

۱- مقدمهٔ تفسیر پرتوی از قرآن، با تصرف

این سوره در هر نماز است و حکمت این تکرار ده بار، در هر روز، تلقین مفاهیم و تعالیم آن به نفوس مؤمنین است، امید می‌رود که اندیشه‌ورزی در آیات نورانی این سوره مبارکه و مفاهیم تفصیلی ارایه شده از آنها، زمینه ساز توفیق خوانندگان در بهره‌برداری روزافزون از این گنجینه الهی گشته و موجب عزمی پابرجا در عمل به فرامین الهی شده و آثار وسیع و باقی را برای مؤمنین و عاملین به دنبال داشته باشد.

دکتر دل‌آرا نعمتی پیرعلی

سوم / شعبان المبارک ۱۳۴۱ هجری قمری مصادف
با میلاد مسعود سرور آزادگان و آزاداندیشان و
عاملان به قرآن کریم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام
برابر با ۲۴ / تیرماه / ۱۳۸۹ شمسی

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة حمد در نگاه قرآن و پیامبر اکرم ﷺ

سورة حمد که آغازگر قرآن کریم است، در بیان الهی، همتای «قرآن عظیم» معرفی شده است.^۱ «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»^۲ (و به راستی تو را سورة حمد و قرآن بزرگ عطا کردیم) منظور از «سبع مثنائی» در این آیه، سورة حمد است.^۳ و ذکر عبارت «قرآن عظیم» بعد از ذکر سورة حمد، دلیل بر اهمیت و عظمت این سوره می باشد.^۴ رسول اکرم ﷺ نیز فرموده است: «خداوند در این آیه (حجر / ۸۷)، سورة حمد را معادل قرآن عظیم قرار داده و به خاطر اعطای آن، بر من منت نهاده است.^۵ و نیز آن حضرت سورة حمد را با کتابهای آسمانی سنجیده و فرموده است: «خداوند در تورات و انجیل و زبور و قرآن، سوره‌ای را همانند سورة حمد نازل نفرموده است که آن منبع معارف قرآن است...»^۶

۱- تسنیم ج ۱ ص ۲۸۴

۲- سورة حجر / ۸۷

۳- نورالثقلین ج ۳ ص ۲۷ و البرهان فی تفسیر القرآن ج ۳ ص ۳۸۵

۴- تفسیر نمونه ج ۱۱ ص ۱۳۰

۵- البرهان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۹۵ «فَاخْرُواْ لِاٰمْتِنَانٍ عَلٰی بَفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهَا بَازَاةً الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»

۶- مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۸۸ «ما أنزل الله فی التوراة و لا فی الانجیل و لا فی الزبور و لا فی القرآن مثلها هی أمّ الكتاب و هی السبع المثنائی...»

نامهای سوره و سبب نامگذاری آن

۱- «فاتحة الكتاب»: چون کتاب خدا به آن آغاز شده است و یا چون اولین سوره‌ای است که نازل شده است^۱ به این نام خوانده می‌شود و از این نام معلوم می‌شود که قرآن در زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ جمع آوری شده بود و این سوره در ابتدای قرآن قرار گرفت.^۲

۲- «أمّ الكتاب - أمّ القرآن»: نامگذاری سوره حمد به این دو نام، از این جهت است که مشتمل بر عصاره معارف قرآن کریم است زیرا واژه «أمّ» به معنی مرجع و منبع است و «أمّ الكتاب» یا «أمّ القرآن» یعنی سوره‌ای از قرآن که منبع همه معارف قرآن است.^۳

۳- «سبع المثانی»: کلمه «سبع» در این ترکیب، ناظر به تعداد آیات این سوره است^۴ اما درباره واژه «المثانی» به معنای «دوتایی - مکرر» اقوال متعدد است:

۳-۱- «المثانی» از ریشه (انثناء) به معنی انعطاف خاصی است که آیات قرآن نسبت به یکدیگر دارند. یعنی آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند.^۵ یعنی سوره حمد متشکل از هفت آیه‌ای است که ارتباطی محکم با یکدیگر دارند و انسجام خاصی را در این سوره پدید آورده‌اند.

۳-۲- لفظاً «المثانی» به واژه‌های مکرر در این سوره اشاره دارد نظیر رحمن، رحیم، ایاک، صراط و علیهم که دوبار در این سوره تکرار شده‌اند.^۶

۳-۳- سوره حمد «سبع المثانی» نامیده می‌شود به این دلیل که در هر نمازی دوبار خوانده می‌شود.^۷

۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۲۹

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه‌ا... مظاهری

۳- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۰

۴- نسیم حیات ج ۱ ص ۲۰

۵- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۲

۶- روض الجنان، ج ۱ ص ۳۱

۷- نورالثقلین ج ۱ ص ۶

۳-۴- سوره حمد «سبع المثانی» نامیده می‌شود به این دلیل که دو بار نازل شده است، یک بار در مکه و یک بار در مدینه.^۱

۴- «کافی - وافی»: از آنجا که هیچ سوره‌ای در نماز جایگزین سوره حمد نمی‌شود لذا این سوره کافی و وافی در صحت نماز است. آنچنان که در روایات نیز آمده است که: «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^۲ (نماز جز با سوره «فاتحة الكتاب» صحیح نیست).

۵- «الأساس» از ابن عباس نقل شده است که: «هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن، سوره حمد است.»^۳ و از آنجا که سوره حمد اصل و بنیاد معارف قرآن کریم است به این نام خوانده می‌شود.

۶- «شفاء- شافیه»: قرآن کریم برای شفای دردهای درونی و بیماریهای باطنی همچون جهل و رذایل اخلاقی نازل شده است.^۴ «و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ»^۵ (و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم). و سوره حمد نیز که عصاره معارف قرآنی است چنین خصوصیتی دارد آنچنانکه در روایات نیز این سوره، شفا بخش توصیف شده است. پیامبر اکرم در این باره فرموده است: «این سوره أمّ القرآن است و شفای هر درد و رنج و بیماری است.»^۶

از این رو امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «کسی را که سوره حمد درمان نکند، هیچ چیز دیگری او را درمان نخواهد کرد.»^۷ زیرا سوره حمد که عصاره معارف قرآن است، عصاره درمانهای قرآنی نیز خواهد بود و لذا اگر جهل و رذایل اخلاقی کسی با معارف سوره حمد درمان نشود، دیگر

۱- مجمع البیان ج ۱ ص ۸۷

۲- مجمع البیان ج ۱ ص ۸۷

۳- مجمع البیان ج ۱ ص ۸۷

۴- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۳

۵- سوره اسراء / ۸۲

۶- روض الجنان ج ۱ ص ۳۲ «هی أم القرآن و هی شفاء من کل داء»

۷- نورالتقلین ج ۱ ص ۴ «مَنْ لَمْ يَبْرَأِ الْحَمْدُ لَمْ يَبْرَأِ شَيْءٌ»

سوره‌های قرآن نیز برای او سودمند نخواهد بود.^۱

۷- «الصلاة»: رسول خدا ﷺ درباره سوره حمد فرموده‌اند: «کسی که در نماز، سوره فاتحه‌الکتاب را بخواند، نمازش صحیح نیست.»^۲ پس به دلیل وابستگی صحت نماز به قرائت سوره حمد، این سوره را «صلاة» یا نماز نیز نام نهاده‌اند.

۸- «دعا، حمد، شکر»: از آنجا که این سوره مشتمل بر درخواست از خداوند و حمد و ستایش الهی و سپاس از درگاه خداوند می‌باشد، به هر یک از این نامها، نامیده شده است.

۹- «المناجاة - التفویض»: نامگذاری سوره حمد به این دو نام به دلیل اشتغال این سوره بر آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» است که بخش نخست آن مناجات بنده با خداست و در بخش دوم، بنده امور خود را به خدا واگذار کرده و از او کمک می‌خواهد.^۳

۱۰- «الکنز»: واژه «کنز» به معنای گنج است و از این جهت که در روایات متعددی، سوره حمد به «گنجی عرش» توصیف شده است، به این نام خوانده می‌شود. آن چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «سوره حمد از گنج عرش نازل شده است»^۴

۱۱- «تعلیم المسأله - سؤال»: این نام به معنی تعلیم نحوه درخواست است و از آنجا که همه آیات این سوره درصدد آموزش «ادب درخواست» از خداوند سبحان هستند این سوره به این دو نام نامیده شده است.^۵

۱- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۴

۲- الدر المنثور ج ۱ ص ۶ «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»

۳- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۵

۴- الدر المنثور ج ۱ ص ۵ «أَنَّهَا أَنْزَلَتْ مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ»

۵- تسنیم ج ۱ ص ۲۶۶

آموزه‌های کلی سوره حمد

- آموزه‌های کلی این سوره را می‌توان به ترتیب زیر مطرح نمود:
- ۱- امام صادق علیه السلام آموزه‌های کلی و محورهای اصلی این سوره را چنین بیان فرموده‌اند: «سوره حمد، اولش حمد و میانه‌اش اخلاص و انتهایش دعا و درخواست است.»^۱
 - ۲- «صدر المتألهین» آموزه‌های اساسی این سوره را چنین بیان نموده است:
- ۱-۲- علم به مبدأ: آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» اشاره به وجود حق مطلق دارد و اینکه او مبدأ سلسله موجودات و به وجود آورنده همه عوالم و مخلوقات است.
 - ۲-۲- علم به اسماء الحسنای خداوند: آیه «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» اشاره به صفات جلال و اسمای نیکوی الهی دارد.
 - ۳-۲- علم به معاد: آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اثبات بازگشت همه انسانها به سوی خداوند است.
 - ۴-۲- علم به ضروریات زندگی دنیایی: آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به اعمال و احوالی اشاره می‌کند که انسان باید در زندگی دنیوی خود به آنها اهمیت دهد که عبارت است از عبادات و پاکسازی روح و باطن از خصلتهای شیطانی.
 - ۵-۲- علم به نفس انسانی: آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» به این مطلب اشاره می‌کند که با پیروی از انسانهای آگاه به حقایق الهی و عامل به دستورات خداوند، می‌توان به حق هدایت شد.^۲
- یعنی راه تکامل انسان، پیروی از خداوند و انسانهای خداگونه است

۱- کنزالدقائق ج ۱ ص ۱۰ «سوره الحمد، سوره التي اولها تحميد و اوسطها اخلاص و آخرها دعاء»

۲- تفسیر القرآن الکریم (ملاصدرا) ج ۱ ص ۱۷۵ با تصرف

که این خود موجب پرهیز از شیطان و اعمال شیطانی و انسانهای شیطان صفت می‌گردد.

۳- برخی آموزه‌های کلی قرآن کریم را مشتمل بر سه بخش توحید، نبوت و معاد می‌دانند و لذا سوره حمد را که عصاره معارف قرآن کریم است مشتمل بر این بخشهای سه گانه می‌دانند.^۱

۴- برخی نیز آموزه‌های سوره حمد را به ترتیب زیر بیان نموده‌اند:

۴-۱- ذکر: بسم الله الرحمن الرحيم

۴-۲- شکر: الحمد لله رب العالمين

۴-۳- امید: الرحمن الرحيم

۴-۴- بیم: مالک يوم الدين

۴-۵- اخلاص: اياک نعبد و اياک نستعين

۴-۶- دعا و تضرع: اهدنا الصراط المستقيم^۲

۴-۷- تویی (اقتداء به انسانهای پاک): صراط الذين انعمت عليهم

۴-۸- تبری (پرهیز و بیزارى از انسانهای ناپاک): غيرالمغضوب

عليهم و لا الضالين^۳

ثواب تلاوت در بیان پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ به منظور توجه دادن به مسلمانان به مضامین مهم سوره حمد، برای تلاوت آن ثواب فراوانی را تعیین نموده‌اند تا مسلمانان به تلاوت و تدبر در این سوره ترغیب شوند تا علاوه بر بهره‌مندی از پادشاهای تلاوت، در پرتو بینش صحیح به کمال واقعی نیز دست یابند.

۱- تسنیم ج ۱ ص ۲۷۰ با تصرف

۲- تفسیر القرآن الکریم ج ۱ ص ۱۷۸ با تصرف

۳- تفسیر اخلاقی قرآن کریم - آیه ۱... مظاهری

برخی از این روایات به قرار زیر است:

- ۱- «کسی که سوره فاتحة الكتاب را تلاوت کند، خداوند ثواب تلاوت همه آیات نازل شده از آسمان را به او خواهد داد.»^۱
- ۲- کسی که سوره حمد را تلاوت کند در حالی که به محمد ﷺ و خاندان پاکش معتقد است و در برابر اوامر قرآن و عترت مطیع باشد و به ظاهر و باطن قرآن و عترت مؤمن باشد، خداوند به ازای هر حرفی از این سوره، حسنه‌ای را به او عطا می‌کند که از تمام دنیا و نعمتهای آن برتر است.^۲
- ۳- هر مسلمانی که فاتحة الكتاب را تلاوت کند پاداش تلاوت دو سوم قرآن و انفاق به همه مؤمنین به او اعطاء می‌شود.^۳

۱- کنزالدقائق ج ۱ ص ۷ «من قرأ فاتحة الكتاب أعطاه الله تعالى بعدد كل آية نزلت من السماء ثواب تلاوتها»

۲- نورالثقلین ج ۱ ص ۶ «ألا فمن قرأها معتقداً لِمَوالاةِ محمد و آلِهِ الطيبين مُنقاداً لأمرهما، مؤمناً بظاهرهما و باطنهما، أعطاه الله تعالى بكل حرفٍ منها حسنةً كل واحدةٍ منها أفضل له من الدنيا و ما فيها من أصناف اموالها و خيراتها...»

۳- مجمع البيان ج ۱ ص ۸۸ «أيما مسلم قرأ فاتحة الكتاب أعطى من الاجر كأنما قرأ ثلثي القرآن و أعطى من الأجر كأنما تصدق على كل مؤمن و مؤمنة»

خودآزمایی

- ۱- منظور از «سبع مثنائی» در آیه «و لقد آتیناک سبعاً من المثنائی و القرآن العظیم»^۱ کدام سوره است؟
- ۲- آمدن عبارت «والقرآن العظیم» پس از ذکر سبع مثنائی در آیه ۸۷ سوره حجر نشانه چیست؟
- ۳- پیامبر اکرم ﷺ کدام سوره را منبع معارف قرآن معرفی کرده‌اند؟
- ۴- دلیل نامیده شدن سوره حمد به «فاتحة الكتاب» چیست؟
- ۵- نامیده شدن سوره حمد به «فاتحة الكتاب» نشانه چیست؟
- ۶- کدامیک از نامهای سوره حمد به این معنی است که این سوره منبع همه معارف قرآن است؟
- ۷- کلمه «سبع» در «سبع المثنائی» ناظر بر چیست؟
- ۸- برای کلمه «المثنائی» در «سبع المثنائی» چند معنا ذکر شده است؟
- ۹- کدام یک از نامهای سوره حمد، به تعداد نزول این سوره اشاره دارد؟
- ۱۰- نامهای «کافی» و «وافی» برای سوره حمد، چه حکمی را درباره نماز بیان می‌کنند؟
- ۱۱- چرا به سوره حمد «الأساس» نیز گفته می‌شود؟

۱۲- این روایت از کیست: «هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن

سوره حمد است؟»

۱۳- چرا به سوره حمد «شفاء» و «شافیه» گفته می‌شود؟

۱۴- این روایت از کیست: «کسی را که سوره حمد درمان نکند، هیچ

چیز دیگری او را درمان نخواهد کرد.»

۱۵- علت نامگذاری سوره حمد به «الصلاة» چیست؟

۱۶- این روایت از کیست: «کسی که در نماز سوره فاتحة‌الکتاب را

نخواند نمازش صحیح نیست؟»

۱۷- علت نامگذاری سوره حمد به «دعا» چیست؟

۱۸- نام «المناجاة» و نام «التفویض» برای سوره حمد، به کدام یک

از عبارات این سوره اشاره دارد؟

۱۹- چرا سوره حمد را «الکنز» نامیده‌اند؟

۲۰- نامهای «تعلیم المسأله» و «سؤال» برای سوره حمد، به چه

مفهومی در سوره اشاره دارند؟

۲۱- امام صادق علیه السلام در بیان آموزه‌های کلی سوره حمد چه

فرموده‌اند؟

۲۲- به نظر «صدر المتألهین» آیه «الحمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چه

آموزه‌ای را آرایه می‌کند؟

۲۳- به نظر «صدر المتألهین» آیه «الرحمن الرحیم» متضمن کدام

آموزه است؟

۲۴- به نظر «صدر المتألهین» آیه «مالک يوم الدين» متضمن

کدام آموزه است؟

۲۵- به نظر «صدر المتألهین» آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» چه

تعلیمی را القا می‌کند؟

۲۶- به نظر «صدر المتألهین» آیه «صراط الذين انعمت عليهم غير

المغضوب علیهم و لالضالین» مشتمل بر چه آموزه‌ای است؟
 ۲۷- آموزه‌های سه‌گانه قرآن کریم که در سوره حمد نیز مطرح شده
 است کدامند؟

۲۸- تولی و تبری آموزه کدامیک از آیات سوره حمد است؟
 ۲۹- شکر و ذکر به ترتیب آموزه کدامیک از آیات سوره حمد است؟
 ۳۰- بیم، امید، اخلاص و تضرع آموزه کدامیک از آیات سوره حمد
 است؟

۳۱- هدف پیامبر اکرم ﷺ از بیان ثواب تلاوت سوره حمد چه بوده
 است؟

۳۲- بر اساس بیان پیامبر اکرم ﷺ تلاوت سوره حمد با وجود چه
 شروطی موجب دستیابی انسان به حسناتی برتر از تمام دنیا و نعمتهای
 دنیا می‌شود؟

۳۳- بر اساس بیان پیامبر اکرم ﷺ تلاوت کدام سوره معادل با
 تلاوت همه آیات نازل شده از آسمان است؟

تفسیر سورهٔ حمد «بسم الله الرحمن الرحيم»

معانی کلمات

ب: حرف «باء» در این آیه احتمال دارد که به دو معنا باشد زیرا در زبان عربی حروف معانی، متعددی دارند:

الف - یاری خواستن: یعنی حرف «باء» به معنی «کمک گرفتن» باشد. با این توجه معنی «بسم الله...» چنین است: در کاری که انجام می‌دهم از خدا کمک می‌طلبم.

ب- آغاز کردن: یعنی حرف «باء» به معنی «آغاز کردن» باشد. با این توجه معنی «بسم الله...» چنین است: کارم را با نام خدا آغاز می‌کنم.^۱
اسم: اسم در عرف و لغت به معنای لفظی است که بر شخص یا شیء دلالت کند.^۲

الله: این نام مبارک که از آن به «لفظ جلاله» یاد می‌شود، ۲۶۹۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است.^۳ و جامعترین نام خداوند متعال است زیرا به تمام صفات و کمالات الهی اشاره می‌کند به همین دلیل اسامی دیگر خداوند غالباً به عنوان صفت برای کلمهٔ «الله» به کار می‌روند^۴ مانند: «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۵ (همانا خداوند آمرزندهٔ مهربان است)

۲- تسنیم ج ۱ ص ۲۷۸

۴- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۱

۱- نسیم حیات، ج ۱ ص ۲۵

۳- همان

۵- بقره / ۲۲۶

این نام در اصل «إله» بوده که با پیوستن «الف و لام» بر سر آن، به صورت «الله» درآمده است.

«إله» به معنای معبود است. برای همین در زبان عربی و کاربرد (قرآنی)، واژه «إله» بر هر معبودی که دیگران در پیشگاهش خضوع می‌کنند اطلاق می‌شود مانند «أرأيت من اتخذ إلهه هواه»^۱ (آیا آن کس که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟) اما لفظ «الله» اسم خاص برای ذات مقدس خداوند است که جامع همه صفات کمال است و از این رو جز بر خداوند متعال اطلاق نمی‌شود.^۲ و از آن جهت که معانی همه اسماء الهی را در بردارد، اسم اعظم خداوند است.^۳

الرحمن الرحيم: دو صفت از صفات خداوند متعال است که از «رحمت» مشتق شده است. در زبان عربی، کلماتی که بر وزن «فعال» است دلالت بر کثرت می‌کند مثل «عطشان» که به معنی تشنگی زیاد است و کلماتی که بر وزن «فعلیل» است بر ثبات و دوام دلالت می‌کند.^۴ صفت «رحمن» برای مبالغه است و بر فراوانی و سرشار بودن دلالت دارد. پس «رحمن» یعنی ذات سرشار از رحمت که رحمتش فراوان بوده و همه مخلوقات را فرا گرفته است. اما «رحيم» صفتی است که بر ثبات و دوام دلالت می‌کند و به معنای مبدأ ای است که رحمت ثابت و راسخ دارد^۵ و اشاره به رحمت خاصی است که خداوند به مؤمنین اختصاص داده است.^۶

۱- فرقان / ۴۳ ۲- تسنیم ج ۱ ص ۲۸۰

۳- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه‌الله مظاهری

۴- آشنایی با قرآن، ج ۲ ص ۸۳ ۵- تسنیم ج ۱ ص ۲۸۱

۶- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۸۵

تفسیر آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» (آغاز می‌کنم با نام «الله» که رحمتش فراوان و فراگیر و ثابت و راسخ است).

علت آغاز کردن با «بسم الله الرحمن الرحيم»

میان همه مردم جهان رسم است که هر کار مهم و پرارزشی را با نام بزرگی آغاز می‌کنند و بهتر آن است که برای پاینده بودن چیزی، آن را به موجود جاودانی ارتباط دهند که فناء در ذات او راه ندارد.^۱

این معنا در کلام خداوند نیز جریان یافته و خداوند تعالی کلام خود را به نام خود آغاز کرده تا آنچه که در کلامش هست «مارک» و نشانه او را داشته باشد و مرتبط با نام او باشد و نیز به بندگان خود بیاموزد که در اعمال و افعال و گفتارهایشان این امر را رعایت نموده، آن را با نام خدا آغاز نموده و «مارک» خدا را بر آن بزنند تا اعمالشان خدایی شده و مقصود اصلی از آن اعمال، خدا و رضای او باشد.^۲

اثر فکری و اخلاقی آغاز با «بسم الله الرحمن الرحيم»

تمرکز ذهن بر روی یک موضوع و باور و تلقین آن، شخصیت انسانها را تشکیل می‌دهد از این رو در فرهنگ قرآنی و اسلامی، هیچ عملی و حتی هیچ عبادتی به هدف خود که تکامل شخصیت انسان است نمی‌رسد مگر با تلقین، توجه، تمرکز و باور.^۳ سوره‌های قرآن کریم نیز با

۲- المیزان ج ۱ ص ۲۶

۱- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۱۳

۳- راز رشد آگاهی ص ۱۶

«بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌گردد تا انسان را متوجه سازد که همه تعالیم و دستورات قرآن از مبدأ حق و مظهر رحمت منشأ گرفته است.^۱ آغاز با «بسم الله الرحمن الرحيم» و آموزش دادن به آغاز با آن، برای این است که فکر و دل انسان از غیر خدا منصرف شود تا در نتیجه آن، انسان همه جهان را با نگاه توحیدی بنگرد و از پراکندگی فکری، به ارتباط با حق تعالی گرایش یافته و همه اعمالش را با تفکر توحیدی انجام دهد و با ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» و تکرار آن، نام خداوندی را که مبدأ مهر و رحمت است بر دل حک کند تا با توجه به این نام، در اقدام به هر عملی، قدرتی بیشتر از قدرت استعدادی خود یافته و تنها به قدرت محدود خود متکی نباشد. با این توجه، نیروی عمل و امید به حصول نتیجه بیشتر خواهد شد زیرا با توسل و پناه جویی به نام خداوند، از اضطراب رها شده و به اطمینان خاطر می‌رسد در حالی که اگر عمل با نام غیر خدا یا با غفلت از نام خدا انجام شود، آن بهره و نتیجه کامل به دست نخواهد آمد از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند که هر عملی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نگردد بریده و ناقص و بی‌سرانجام است.^۲

چرا شروع به «اسم» خداست و نه خدا

خداوند در اولین آیه‌ای که بر رسولش نازل کرد فرموده است: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»^۳ (بخوان به نام پروردگارت که آفرید) و در آن دستور داده است که بندگان را با نام او آغاز کنند.^۴ و در آیه‌ای دیگر فرموده است: «و لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^۵ (و

۱- تنها سوره توبه یا برائت با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نمی‌شود چون مضامین این سوره اعلام قطع رابطه رحمت الهی با مردم لجوج و کینه‌ورز با حق است.

۲- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۲۵

۳- علق ۱ /

۴- المیزان ج ۲۰ ص ۵۴۸

۵- اعراف / ۱۸۰

زیباترین نامها به خداوند تعلق دارد، پس او را بدانها بخوانید) و خداوند در آن دستور داده است که بندگان او را به نامهای نیکو بخوانند زیرا آن نامها به نیکوترین معانی هدایت می‌کنند.^۱ و انسان به وسیله این نامها، به مقامات و صفات الهی آشنا می‌شود و با خداوند متعال ارتباط پیدا کرده و به مقام قرب می‌رسد.^۲ زیرا منظور از خواندن خدا به اسماء حسنی این است که انسان این صفات را به مقدار ممکن در وجود خود محقق کند.^۳ و دیگر این که اساساً انسان با اسم خدا سر و کار دارد چون انسان می‌تواند اسامی خداوند را بر زبان جاری ساخته و به آنها متوسل شود تا با این اسمها جلو رفته و در نهایت به خود خدا برسد. علاوه بر اینکه این اسامی در عالم وجود مؤثرند یعنی خداوند با اسم و لفظش خیلی از امور را انجام می‌دهد از این رو با راه یافتن حقیقت آن اسامی در دل و روح انسان، انسان قادر به خرق عادت می‌شود.^۴

آثار ارتباط با اسمهای خداوند

ارتباط با اسمهای خداوند موجب دو نعمت بزرگ می‌شود که عبارتند از:

۱- آرامش و اطمینان خاطر انسان:

از آنجا که ذکر لفظی ابزار توسل به خداوند و مقدمه ورود به مرتبه بالاتر یعنی ذکر قلبی است، قرآن کریم با شروع به «بسم الله الرحمن الرحیم» به انسان می‌آموزد که با نام خدا آغاز کند، به نام خدا متوسل شود و با ذکر اسامی خداوند، معانی آنها را دریابد و در مسیر کمال پیش رود تا به مرتبه اعلائی ذکر یعنی مقام یقین و شهود حق و مقام

۲- تفسیر روشن ج ۹ ص ۲۲۹

۱- تفسیر اثنا عشری ج ۴ ص ۲۴۹

۴- تفسیر اخلاقی آیه... مظاهری با تصرف

۳- برگزیده تفسیر نمونه ج ۲ ص ۱۱۵

اطمینان که مقام ثبات ایمان است نایل شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱
(آگاه باش که با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد).

ذکر و یاد الهی دارای مراتب است و انسان در هر مرتبه‌ای از ذکر که قرار بگیرد، به همان اندازه با خداوند ارتباط برقرار کرده و مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرد.^۲ در این آیه نیز منظور از ذکر، ذکری است که یقین انسان را نسبت به خداوند افزوده و اطمینان او را نسبت به وعده‌های خداوند و لطف و کرم او افزایش داده و موجب اطمینان خاطر او و ثبات ایمان او گردد.^۳ و بی‌تردید مقدمه نیل به چنین مقامی ذکر لفظی خداوند و انس با اسمهای خداوند است.

۲- لطف و عنایت ویژه خداوند به انسان

ذکر لفظی و انس با اسامی خداوند مقدمه ذکر قلبی است که عبارتست از حضور خداوند در ذهن و دل انسان و یاد خدا روح ایمان و منشأ سجایای پسندیده و اعمال صالح است از این رو به یاد خدا بودن کمال بشریت و بهترین حالت درونی انسان است و موجب لطف خاص خداوند نسبت به بنده شده و موجب توفیق سعادت و طاعت و آمرزش گناهان است و خداوند خود در این باره فرموده است: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۴ (پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم). پیام این آیه این است که: حقیقت یاد انسان از خدا عبارت است از آراستن سخن به ذکر خداوند و رسوخ دادن معانی آن به قلب و اطاعت از خداوند به عبادت و حسن کردار و حقیقت یاد خدا از انسان عبارت است از آمرزش و پاداش

۲- تفسیر روشن ج ۲ ص ۲۶۱

۱- رعد ۲۸/

۴- بقره / ۱۵۲

۳- تفسیر الکاشف ج ۴ ص ۴۰۳

نیکو و افزونی نعمت و هدایت^۱

پیامبر اکرم ﷺ نیز در ترغیب به ذکر خداوند فرموده است: «بهترین اعمال و پاکترین کردار، به یاد خدا بودن است زیر پروردگار فرموده است: «أنا جلیسٌ مَنْ ذکرنی» من همنشین کسانی هستم که به یاد من هستند.»^۲

پس به یاد آرید نعمتهای ما تابه یاد آرم شما را در نوا
یعنی افزایش شما را بر نعم و آن بود عرفان و حبّ مکتبم^۳

نکته‌هایی درباره «بسم الله الرحمن الرحيم»

۱- در میان علماء شیعه اختلافی در این مسأله نیست که «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره حمد و همه سوره‌های قرآن است و ذکر این آیه در آغاز سوره‌ها از زمان پیامبر ﷺ تا کنون معمول بوده است. امام صادق علیه السلام درباره «بسم الله الرحمن الرحيم» فرموده است: «خداوند هیچ کتابی را از آسمان نازل نکرد مگر اینکه در آغازش «بسم الله الرحمن الرحيم» بود و در قرآن نیز این آیه، یکی از آیات نازل شده بود که نزولش در هر بار، اتمام سوره قبل و آغاز سوره بعد را اعلام می‌کرد.»^۴

۲- آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»، ۱۱۴ بار نازل شده است زیرا آیه‌ای از تمام سوره‌های قرآن کریم است به استثناء سوره براءت (توبه) که فاقد «بسم الله الرحمن الرحيم» است اما به جای آن سوره «نمل» دو «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد، یکی در رأس سوره و دیگری در آیه ۳۰ این سوره.

۱- کشف الاسرار و عدة الابراج ج ۱ ص ۴۱۵ با تصرف

۲- انوار درخشان ج ۲ ص ۳۲ با تصرف ۳- تفسیر صفی ج ۱ ص ۵۶

۴- نورالثقلین ج ۱ ص ۶ «ما انزل الله من السماء کتاباً الا و فاتحته «بسم الله الرحمن الرحيم» و انما کان یُعرف انقضاء السورة بنزول «بسم الله الرحمن الرحيم» ابتداءً للأخری

۳- امام صادق علیه السلام آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را برترین آیه سوره حمد (فاتحة الكتاب) دانسته‌اند.^۱

۴- تعلیم به آغاز نمودن امور با «بسم الله الرحمن الرحيم»، آموزش حق‌گرایی و خدا محوری است زیرا این نحوه آغاز نمودن امور این اشاره لطیف را دارد که کاری را می‌توان با نام خدا آغاز کرد که هم حق باشد و هم فاعل آن جهت‌گیری توحیدی داشته باشد یعنی نیتی خالص و قلبی پاک داشته باشد.^۲

۵- از آن جهت که خداوند «رحمن» و «رحیم» است، شروع کارها با «بسم الله الرحمن الرحيم» موجب جلب رحمت خداوند می‌شود.^۳

۶- ذکر صفات «رحمن» و «رحیم» در «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز قرآن، نشانه این است که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است.^۴

۷- شروع قرآن با «بسم الله الرحمن الرحيم» این پیام را می‌رساند که اساس کار خداوند بر رحمت است و مجازات جنبه استثنایی دارد.^۵

۸- برکات ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» عبارتند از:

الف- موجب برکت یافتن امور به نام خداوند است زیرا قرآن کریم «اسم» خدا را منشأ برکات می‌داند: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ...»^۶ (پر خیر و مبارک است نام پروردگار تو)

ب- موجب قداست یافتن امور است.

ج- موجب توکل به خداوند است.

د- موجب دوری شیطان است.

ه- موجب خروج از تکبر و خود محوری و اظهار عجز و نیاز به درگاه

۱- نورالثقلین ج ۱ ص ۸ «... بسم الله الرحمن الرحيم من السبع المثانی؟ قال: نعم هی

أفضلهنَّ»

۲- تسنیم ج ۱ ص ۲۹۷

۴- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۲

۶- الرحمن/ ۷۸

۳- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۲۸

۵- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۶

الهی است.^۱

ابتدا از نام خویش اندر کتاب
باب گنج علم خود ذات قدیم
باب رحمت را به خلقان کرد باز
این اشارت بود یعنی در سبب
با رسول رحمت آمد در خطاب
کرد بسم الله الرحمن الرحیم
تا به رحمت سوی او گیرند ساز
رحمت او سابق آمد بر غضب^۲

۱- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۲۸ با تصرف
۲- تفسیر صفی ج ۱ ص ۹

خودآزمایی

- ۱- در چه صورتی «بسم الله الرحمن الرحيم» به این معنی است: «کارم را با نام خدا آغاز می‌کنم»؟
- ۲- در چه صورتی «بسم الله الرحمن الرحيم» به این معنی است: «در کاری که انجام می‌دهم از خدا کمک می‌طلبم»؟
- ۳- چرا اسامی دیگر خداوند به عنوان صفت برای کلمه «الله» به کار می‌روند؟
- ۴- جامعترین نام خداوند چیست؟
- ۵- فرق «الله» با «اله» چیست؟
- ۶- چرا «الله» اسم اعظم خداوند است؟
- ۷- صفت «رحمن» بر چه وزنی است و چه معنایی دارد؟
- ۸- صفت «رحيم» بر چه وزنی است و چه معنایی دارد؟
- ۹- صفت «رحمن» درباره خداوند به چه معنایی اشاره می‌کند؟
- ۱۰- صفت «رحيم» درباره خداوند به چه معنایی اشاره می‌کند؟
- ۱۱- چرا خداوند کلام خود را با نام خود آغاز کرده است؟
- ۱۲- چرا بندگان باید کارهای خود را با نام خدا آغاز کنند؟
- ۱۳- اثر فکری و اخلاقی آغاز با «بسم الله الرحمن الرحيم» چیست؟
- ۱۴- چرا پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: هر عملی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نگردد بریده و ناقص و بی‌سرانجام است؟
- ۱۵- آیه «اقرأ باسم ربك الذي خلق»^۱ چه دستوری به بندگان می‌دهد؟
- ۱۶- چرا خداوند در آیه «و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها...»^۲ به

بندگان فرمان می‌دهد تا خدا را با نامهای نیکویش بخوانند؟

۱۷- آثار ارتباط با نامهای خداوند چیست؟

۱۸- ذکر خدا چند مرحله دارد و ارتباط این مراحل چگونه است؟

۱۹- منظور از «ذکر» در آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ چیست؟

۲۰- ذکر لفظی یعنی چه؟

۲۱- ذکر قلبی یعنی چه؟

۲۲- پیام آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ»^۲ چیست؟

۲۳- حقیقت ذکر و یاد خدا چیست؟

۲۴- بر اساس بیان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین اعمال و پاکترین کردار

چیست؟

۲۵- «أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذِكْرِنِي» یعنی چه؟

۲۶- به نظر علماء شیعه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره حمد

هست یا نه؟

۲۷- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چه

فرموده‌اند؟

۲۸- آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چند بار نازل شده است؟

۲۹- کدام سوره از قرآن کریم «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ندارد؟

۳۰- کدام سوره از قرآن کریم دو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دارد؟

۳۱- در بیان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام برترین آیه سوره «حمد» کدام آیه است؟

۳۲- تعلیم به آغاز نمودن امور با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چگونه

آموزش حق‌گرایی و خدا محوری است؟

۳۳- ذکر صفات «رحمن» و «رحیم» در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

در آغاز قرآن نشانه چیست؟

۳۴- برکات ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نام ببرید.

پس دنیا به نام خدا خوش است و عقبی
به عفو او و بهشت به دیدار او. خدایا به
نام تو آبادانیم و به یاد تو شادانیم.^۱

**تفسیر آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (پرستش، ستایش و سپاس
مخصوص خداوند است که پرورندهٔ جهان‌ها است)**

معانی کلمات:

الحمد:

ال: حروف در زبان عربی معانی متعددی دارند و «الف و لام» در این
واژه به معنی استغراق است یعنی فراگیری و مشمول را می‌رساند و به
معنی «همه» می‌باشد.

حمد: در فارسی واژه‌ای که معادل «حمد» باشد وجود ندارد اما برای
ترجمهٔ آن معمولاً از دو واژه «مدح» و «شکر» استفاده می‌شود ولی هیچ
یک از آن دو نیز به طور کامل معنای «حمد» را نمی‌رسانند. کلمهٔ «مدح»
به معنای ستایش است و ستایش از احساسهای مخصوص انسانی است
که وقتی در مقابل کمال و جلال و جمال قرار می‌گیرد، آن را ستایش
می‌کند.^۲ کلمهٔ «مدح» هم ستایش در برابر عمل اختیاری را شامل
می‌شود و هم عمل غیر اختیاری را. مثلاً هیچ وقت برای بوی خوش یک
گل آن را «حمد» نمی‌کنند بلکه «مدح» می‌کنند در حالیکه کرامت و
بخشنده‌گی یک فرد را می‌توان «حمد» نمود.^۳ احساس پاک دیگری که در
انسان وجود دارد سپاسگزاری است که ترجمهٔ کلمهٔ «شکر» است و آن

۱- تفسیر خواجه عبدالله انصاری ج ۱ ص ۱

۳- المیزان ج ۱ ص ۳۰

۲- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۸۶

در وقتی است که از ناحیه کسی چیزی به انسان برسد.^۱
 «حمد» نه «مدح» خالص است و نه سپاسگزاری و شکر خالص، پس
 «حمد» چیست؟

می‌توان گفت که «حمد» جامع معنای «مدح» و «شکر» است.^۲ یعنی
 برای مقامی که هم لایق ستایش است به دلیل عظمت و جلال و حُسن
 و کمال و هم لایق سپاسگزاری است به دلیل احسان‌ها و نیکی‌ها و
 نعمتهایی که از جانب او رسیده است، کلمه «حمد» بکار می‌رود.
 همچنین مفهوم دیگری در واژه «حمد» وجود دارد و آن مفهوم
 «پرستش» است یعنی در مفهوم «حمد» سه عنصر معنایی «ستایش»،
 «سپاس» و «پرستش» دخالت دارند و بر این اساس «حمد» یعنی
 «ستایش سپاسگزارانه توأم با پرستش» و شاید اینکه طبق آیه
 «الحمد لله رب العالمین»، «حمد» به خداوند اختصاص یافته، از این جهت
 است که در مفهوم «حمد» مفهوم پرستش هم هست و خلاصه اینکه
 «حمد» یک احساس پاک درونی انسانی است و از اعماق روح انسان
 سرچشمه می‌گیرد که جمال و جلال را ستایش کند و در مقابل عظمت
 خاضع باشد^۳

لله: این عبارت شامل حرف لام و واژه «الله» است (ل + الله) و حرف
 «لام» در این عبارت به معنای مالکیت یا اختصاص^۴ و یا استحقاق^۵
 است و بدین معناست که خداوند مالک هر حمدی است یا هر حمدی
 ویژه خداوند است و یا خداوند استحقاق هر حمدی را دارد.

رب: واژه «رب» از مصدر «تریت» مشتق شده است^۶ و مفهوم سوق
 دادن به سمت کمال در آن هست و «رب» کسی است که موجودات را به

۱- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۸۶

۲- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۲۶

۳- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۸۸

۴- تسنیم ج ۱ ص ۳۳۱

۵- معالم التنزیل فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۷۳

۶- التبیان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۳۲

سوی کمالشان سوق می‌دهد^۱ در کلمه «رب» هم مفهوم خداوندگاری و صاحب اختیاری نهفته است و هم معنای تکمیل کننده و پرورش دهنده. یعنی خداست که هم صاحب اختیار عالم است و هم همه عالم را به کمال می‌رساند.^۲ به همین دلیل این کلمه بدون قید و به طور مطلق مختص خداوند تعالی است اما به صورت مضاف بر غیر خداوند نیز اطلاق می‌شود مانند «رب الدار» یعنی مالک خانه^۳.

العالمین: این کلمه جمع «عالم» است و شامل همه عوالم پیش از دنیا، عالم دنیا و عوالم پس از دنیا (برزخ و قیامت) و همچنین عالم انسان، عالم فرشتگان و سایر عوالم هستی است. کلمه «عالمین» در قرآن کریم گاهی به معنای همه جوامع انسانی است مانند: «تبارک الدی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»^۴ (پر خیر و پاینده است آن خدایی که بر بنده خود کتاب جدا کننده حق و باطل را نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد. و گاهی به معنای همه نظام هستی است مانند «قال فرعون و ما رب العالمین. قال رب السموات والارض و ما بیئنها... ربکم و رب ابائکم الاولین... رب المشرق و المغرب و ما بینهما...»^۵ (فرعون گفت: رب العالمین چیست؟ گفت: او پروردگار آسمانها و زمین و پدیده‌های میان آن دو است... پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست... اوست پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آنهاست).

منظور از کلمه «عالمین» در آیه «الحمد لله رب العالمین» همه نظام هستی است از اینرو معادل فارسی آن «جهان‌ها» است نه «جهانیان»^۶

۲- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۹۱

۱- تسنیم، ج ۱ ص ۳۳۱

۴- فرقان / ۱

۳- البیتان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۳۲

۶- تسنیم ج ۱ ص ۳۳۳

۵- شعراء / ۲۸-۲۳

تفسیر آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

اختصاص «حمد» به خداوند

حمد در برابر زیباییها، کمالها و نعمت بخشیهاست و از آنجا که هر کمال و زیبایی و نعمت از خداوند نشأت گرفته است پس هر حمدی از آن خداوند است.^۱ جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بدون در نظر گرفتن چهار صفت خداوند (رب العالمین - الرحمن - الرحیم - مالک یوم الدین) حمد را به «الله» اختصاص داده یعنی ذاتی که قطع نظر از کارهای او، احسانها و نعمت بخشیهایی او، ذاتاً شایسته حمد است از اینرو امیرالمؤمنین میگوید: «پروردگارا پرستش من برای این نیست که مرا خلق کردی و به من احسان نمودی و نه چون در آخرت به عبادت کنندگان بهشت می دهی، بلکه چون تو هستی و تو لایق پرستشی»^۲

ارایه برهان برای اثبات اختصاص حمد به خداوند

آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» برای اثبات اختصاص «حمد» به خداوند دو برهان ارایه می دهد:

برهان اول: در آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» اسم اعظم خداوند یعنی «الله» ذکر شده است و «الله» جامع همه کمالات وجودی است و چون «حمد» در برابر کمال است پس تمام انواع حمد به ذاتی اختصاص دارد که جمیع کمالات را دارا می باشد.

برهان دوم: تعبیر «رب العالمین» دلیل دوم بر اختصاص «حمد» به خداوند است زیرا خداوند رب همه هستی است.^۳ و رب به کسی گفته می شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد و خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبر و پروردگار

۱- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۲۹ با تصرف

۲- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۹۰

۳- تسنیم ج ۱ ص ۳۳۵

آن، پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده است هدایت می‌شود.^۱

از این جهت، «حمد» مخصوص ذات مقدس خداوند است.

مفهوم «حمد» در سوره «حمد»

جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» علاوه بر سوره «حمد» در ابتدای چهار سوره «انعام»، «کهف»، «سبأ» و «فاطر» نیز ذکر شده است اما فقط در سوره «حمد» بعد از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» عبارت «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده است و از آن جهت که پروردگار تمام هستی فقط «اللَّهُ» است و تمامی حمدها مختص به اوست معلوم می‌شود که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» معادل «لا اله الا الله» است یعنی هیچ مؤثری جز خداوند در جهان وجود ندارد و این مطلب همان «توحید افعالی» است که باور آن موجب می‌شود که انسان به غیر خدا متوسل نشود و به گناه آلوده نگردد زیرا توسل انسان به گناه برای دستیابی به مطلوب برای اینست که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «لا اله الا الله» را باور نکرده است.^۲

پس «حمد» در این سوره که با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» قرین شده است، اعتقاد به توحید و اقرار به این است که فقط «اللَّهُ» خالق و مالک است و هیچ مؤثری در جهان جز او وجود ندارد.^۳

از فیوض عام و خاصش در نمود حمد او گویند ذرات وجود
عین حمد اوست بود ممکنات ظاهر از بودش وجود ممکنات
حمد او هر یک ز موجودات او گوید از تکوین خود بر ذات او
گر کسی حمدش کند با انتقال در مقام بندگی یابد کمال^۴

۱- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۲

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه الله مظاهری با تصرف

۳- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۵۵

۴- تفسیر صفی ج ۱ ص ۱۰

رابطه دائمی خداوند با مخلوقات

«ربّ العالمین»: ربّ یعنی مالک و صاحب چیزی که به منظور اصلاح و تربیت، در آن چیز تصرف می‌کند^۱ و تربیت یعنی چیزی را به حدّ تمام و کمال رساندن^۲. عنصر اساسی در تربیت، استمرار نظارت و مراقبت است یعنی خداوند که مرتبی همهٔ مخلوقات است رابطه‌ای دائمی و تنگاتنگ با مخلوقات خود دارد زیرا «رابطهٔ دائمی» لازمهٔ امر تربیت است^۳. از سوی دیگر آمدن واژهٔ «العالمین» پس از واژهٔ «ربّ» دلالت می‌کند به اینکه همهٔ موجودات امکان رشد و پرورش و تربیت دارند چون «عالمین» جمع «عالم» است و «عالم» به معنی مجموعه‌ای است از موجودات مختلف که دارای صفات مشترک و یا زمان و مکان مشترک هستند. مثل عالم انسان، عالم حیوان، عالم گیاه، عالم شرق، عالم غرب، عالم امروز، عالم دیروز. بنابراین «عالم» خود به تنهایی معنی جمعی دارد و وقتی که به صورت «عالمین» جمع بسته می‌شود اشاره به تمام مجموعه‌های جهان است^۴. ربوبیت مستمّر خداوند دربارهٔ همهٔ موجودات در آیهٔ «قال فرعونُ و ما ربُّ العالمین قال ربّ السَّموات والارضِ و ما بینهما»^۵ (فرعون گفت پروردگار جهان‌ها چیست؟ موسی در پاسخ گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است.) نیز مطرح شده است همانگونه که در روایتی امیرالمؤمنین (ع) در ضمن تفسیر آیهٔ «الحمدُ لِلّهِ ربِّ العالمین» فرمود که منظور از «عالمین» همهٔ مخلوقات اعم از موجودات بیجان و جاندار است^۶. و پر واضح است که هدف اصلی در این مجموعهٔ بزرگ از موجودات انسانها هستند زیرا رشد و تربیت جمادات، نباتات و حیوانات به تربیت تکوینی است و رشد و تربیت و تکامل انسانها علاوه بر تربیت تکوینی، به تربیت تشریحی

۲- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۰ با تصرف

۴- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۳۰

۶- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۳۲

۱- فی ظلال القرآن ج ۱ ص ۲۲

۳- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۴ با تصرف

۵- شعراء / ۲۴ و ۲۳

است.^۱ بنابراین تربیت مستمر خداوند درباره انسان به صورت دین و دستورات تشریحی محقق شده است.

عظمت نام «رَبِّ»

پیش از این گفته شد که جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» دلالت می‌کند بر اثبات استحقاق «حمد» بر خداوند متعال و عبارت «رَبِّ الْعَالَمِينَ» در حقیقت بیان علت آن استحقاق است. یعنی چون خداوند «رَبِّ» تمام عالمیان است استحقاق پرستش و تمام ستایشها و سپاسها را دارد. پس حقیقت حمد مختص خداوندی است که «رَبِّ» همه عالمیان است. همچنین بیان شد که اساساً انسان‌ها با «اسم» خدا سروکار دارند و انس با اسمهای خداوند و رسوخ معانی آن اسمها در قلب و تحقق آن معانی در جان، مسیر رشد و کمال حقیقی انسان است.

بنابراین اسمهای خداوند دارای تأثیرات متعدد در این عالمند و واسطه ارتباط صحیح بنده با خداوند هستند. یکی از اسامی با عظمت و شریف خداوند متعال اسم «رَبِّ» است. در شرافت این نام همین بس که در آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» پس از اسم اعظم الهی قرار گرفته و علت اختصاص «حمد» به «الله» می‌باشد. همچنین نام مبارک «رَبِّ» تأثیری شگرف در جلب لطف و عنایت پروردگار و استجاب دعای بندگان دارد چنانکه از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که هر که هفت بار بگوید «یا رَبِّ» هر دعایی که بعد از آن کند به درجه قبول می‌رسد.^۲ زیرا خداوند دعای همه پیامبران رابه وسیله این اسم شریف به اجابت مقرون ساخته است. حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از خطای خود عرض کردند: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا»^۳ (گفتند: پروردگارا ما بر خویشتن

۱- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۴

۲- منهج الصادقین فی الزام المخالفین ج ۱ ص ۳۹

۳- اعراف / ۲۳

ستم کردیم) و خداوند توبه آنان را پذیرفت. و نوح عَلَيْهِ السَّلَام که وقتی از دست کفار مضطر گشت گفت: «رَبِّ لَا تَذِرْ عَلَيَّ الْاَرْضَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ دِيَّارًا»^۱ (پروردگارا احدی از کافران را بر روی زمین باقی مگذار) و خداوند دعای او را اجابت کرد و ابراهیم که گفت «رَبِّ هَبْ لِيْ حِکْمًا وَّ اَلْحِقْنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ»^۲ (پروردگارا مرا حکمتی عطا کن و مرا به نیکان ملحق گردان) و دعای او مستجاب شد. و موسی عَلَيْهِ السَّلَام که گفت: «رَبِّ اِنِّيْ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ فَاغْفِرْ لِيْ»^۳ (گفت پروردگارا بر خویشتم ستم کردم، مرا ببخش و دعایش مستجاب شد و در جوابش «فغفرله»^۴ (پس خدا از او درگذشت) نازل شد و سلیمان که گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لِيْ و هَبْ لِيْ مُلْكًا لَا يَنْبَغِيْ لِاَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي»^۵ (گفت پروردگارا مرا ببخش و حکومتی به من ارزانی کن که هیچکس را پس از من سزاوار نباشد) و خداوند دعای او را مستجاب کرد و زکریا که از خداوند طلب فرزند کرد و گفت «رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا و اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ»^۶ (پروردگارا مرا تنها و بی فرزند مگذار و تو بهترین وارثانی و خداوند حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَام را به او عطا فرمود و دعای پیامبران دیگر که با این اسم شریف همراه و مقرون به استجاب است از جمله دعای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که امت است را با این نام شریف، از خداوند طلب نمود و گفت: «رَبِّ اغْفِرْ و ارحم و انت خیر الراحمین»^۷ (پروردگارا ببخشای و رحمت آور که تو بهترین مهربانانی) و در جوابش نازل شد «لِيَغْفِرْ لَكَ اللهُ»^۸ (تا خدا برای تو ببخشد)^۹ و ^{۱۰}

۱- نوح / ۲۶ - ۲- شعراء / ۸۳

۳- قصص / ۱۶ - ۴- قصص / ۱۶

۵- ص / ۳۵ - ۶- انبیاء / ۸۹

۷- مؤمنون / ۱۱۸ - ۸- فتح / ۲

۹- منهج الصادقین فی الزام المخالفین ج ۱ ص ۴۱

۱۰- لازم به ذکر است که خواندن نام «رَبِّ» زمانی قرین به استجاب است که خواسته انسان در مسیر رضای خداوند و با اظهار عجز و فقر انسان در پیشگاه الهی مقرون باشد.

حقیقت حمد و شکر

آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که تمامی شکرها و سپاس‌ها را به خداوند اختصاص می‌دهد در حقیقت به تمام وظایف و آداب عبودیت نیز اشاره می‌کند. زیرا حقیقت شکر و سپاس از درگاه الهی انجام وظایف عبودی و اطاعت عملی از پروردگار و اجتناب از گناهان می‌باشد. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است که شکر نعمتهای آفریدگار عبارت از اجتناب و خودداری از گناهان است.^۱

آیه شریفه «... وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...»^۲ (و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش او پرستش [تسبیح او می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید).

منظور از «حمد» در این آیه عبودیت پروردگار است.^۳ یعنی همه عالم بدون استثناء در حال انجام وظایف عبودی خویش است و انجام این وظایف را با ستایش و تسبیح همراه نموده است اما انسان آن را در نمی‌یابد. تسبیح خداوند یعنی نفی عیب و نقص و احتیاج از خداوند و «تحمید» و حمد گویی یعنی ستایش ذات و صفات و افعال خداوند. یعنی تمام صفات خداوند را حمیده دانستن و تمام افعال خداوند را براساس حکمت و مصلحت دانستن.^۴ پس اگر خداوند به انسان، دین را ارایه نموده و تکالیف شرعی را بر انسان بار کرده است، براساس حکمت و مصلحت است. پس ستایش خدا بر این فعلش (ارسال پیامبر و ارایه تکلیف دینی) عبارتست از اطاعت از دستورات خداوند. پس حمد خداوند همان عبادت و اطاعت از خداوند است.

۲- اسراء / ۴۴

۱- انوار درخشان ج ۱ ص ۱۸

۳- البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن ج ۱ ص ۲۸۶

۴- اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۲۶۱

خودآزمایی

- ۱- «ال» در «الحمد» به چه معنایی است؟
- ۲- معنای «حمد» چیست؟
- ۳- فرق «حمد» با «مدح» چیست؟
- ۴- کلمه «حمد» جامع چند معنی است؟
- ۵- برای حرف «ل» در «لله» چند معنی ذکر شده است؟
- ۶- با توجه به معنای «ل» در «لله» معنای «الحمد لله» چیست؟
- ۷- معنای واژه «رب» چیست؟
- ۸- کلمه «رب» بدون قید و به طور مطلق مختص کیست؟
- ۹- دو مفهومی که در واژه «رب» وجود دارد کدامند؟
- ۱۰- واژه «العالمین» در سوره حمد به چه معنایی است؟
- ۱۱- واژه «العالمین» در آیه «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا»^۱ به چه معنایی است؟
- ۱۲- واژه عالمین در آیه «قال فرعون و ما رب العالمین. قال رب السموات و الارض و ما بینهما... ربکم و رب آبائکم الاولین... رب المشرق و المغرب و ما بینهما...»^۲ به چه معنایی است؟
- ۱۳- منظور از «العالمین» در آیه «الحمد لله رب العالمین» چیست؟
- ۱۴- معادل فارسی صحیح برای «العالمین» در آیه «الحمد لله رب العالمین» چیست؟
- ۱۵- عبارت «الحمد لله» بدون در نظر گرفتن صفات دیگر خداوند که

- در سوره مطرح شده است، به چه معناست؟
- ۱۶- امیرالمؤمنین علیه السلام در ارتباط با اختصاص حمد به خداوند چه بیانی دارند؟
- ۱۷- در آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چند برهان برای اثبات اختصاص حمد به خدا مطرح شده، توضیح دهید.
- ۱۸- چرا تمامی حمدها به «الله» اختصاص دارد؟
- ۱۹- چرا تمامی حمدها به «رَبِّ الْعَالَمِينَ» اختصاص دارد؟
- ۲۰- جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چگونه معادل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است؟
- ۲۱- جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چه نوع توحیدی را مطرح می‌کند؟
- ۲۲- تربیت یعنی چه؟
- ۲۳- عنصر اصلی در تربیت چیست؟
- ۲۴- آیه «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ. قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا...»^۱ چه مفهومی را القا می‌کند.
- ۲۵- به نظر امیرالمؤمنین علیه السلام منظور از عالمین در آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» چیست؟
- ۲۶- تربیت جمادات، نباتات و حیوانات چه نوع تربیتی است؟
- ۲۷- تربیت انسان چه نوع تربیتی است؟
- ۲۸- تربیت مستمر خداوند درباره انسان به چه شکلی محقق شده است؟
- ۲۹- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیان عظمت نام «رب» چه فرموده‌اند؟
- ۳۰- نشانه عظمت نام «رب» در سوره حمد چیست؟
- ۳۱- دعای همه پیامبران بواسطه کدام اسم خداوند اجابت شد؟

- ۳۲- خواندن نام «رب» با چه شرطی موجب استجاب است؟
- ۳۳- دعای «رب اغفر وارحم و انت خیر الراحمین»^۱ دعای کدام پیامبر الهی در حق امت خویش است؟
- ۳۴- حقیقت شکر و سپاس از خداوند چیست؟
- ۳۵- امام صادق علیه السلام درباره حقیقت شکرگزاری چه بیانی دارند؟
- ۳۶- منظور از «حمد» در آیه «... وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...»^۲ چیست؟
- ۳۷- تسبیح خداوند یعنی چه؟
- ۳۸- تحمید خداوند یعنی چه؟
- ۳۹- کدام آیه از سوره حمد به تمام وظایف و آداب عبودیت اشاره می‌کند؟
- ۴۰- ستایش کردن خدا در برابر این فعل خدا که پیامبران را فرستاده است، چگونه است؟

تفسیر آیه «الرحمن الرحیم» (آن خدایی که رحمت و عطوفت گسترده او همه موجودات را فرا گرفته و رحمت و مهر خاص خود را به مؤمنین اختصاص داده)

همانگونه که آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» دو برهان بر اختصاص حمد به خدای سبحان را مطرح می‌کند آیه شریفه «الرحمن الرحیم» نیز حاوی دو برهان دیگر است. یعنی در صفت «الرحمن» و «الرحیم» هر یک برهانی بر اختصاص «حمد» برای خداوند متعال هستند. این دو صفت، ربوبیت خداوند را ربوبیتی شایسته ستایش و سپاس بیان می‌کنند. یعنی به این دلیل که رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیّه مختص خداوند است، خداوند استحقاق «حمد» را دارد^۱ در واقع این دو صفت، عبارت «رَبِّ الْعَالَمِينَ» را تفسیر می‌کنند و ربوبیت خداوند را ربوبیت براساس رحمت عام و رحمت خاص معرفی می‌کنند.^۲

کلمه «رحمن» به معنای مبالغه در رحمت و گستردگی آن است. از کاربرد دو صفت «رحمن» و «رحیم» در قرآن استفاده می‌شود که رحمانیت درباره همه مخلوقات و رحیمیت مربوط به انسان و موجودات مکلف است.^۳ پس وصف «الرحمن» پرورش موجودات بوسیله رحمت گسترده الهی را بیان می‌کند و وصف «الرحیم» پرورش و تربیت انسان را بوسیله تشریح و فرستادن پیامبر اسلام مطرح می‌کند.^۴

وصف «الرحمن» بیانگر این است که جهان مظهر حکمت و رحمت خداوند است و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است «و رَحْمَتِي

۲- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۲۸ با تصرف

۴- انوار درخشان ج ۱ ص ۲۰

۱- تسنیم ج ۱ ص ۳۷۷ با تصرف

۳- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۴

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۱ (و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است.) و وصف «الرحیم» بیانگر این است که انسان در جهان آفرینش مقام و موقعیتی ممتاز دارد زیرا موجودی مختار است و می‌تواند راه خود را انتخاب کند. «أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۲ (ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار است و می‌پذیرد و یا کفران می‌کند.) پس اگر راه راست را انتخاب کند مشمول رحمت خاص خداوند می‌شود^۳. راه راست همان ایمان به پیامبر اکرم ﷺ و عمل به تعالیم و دستورات آن حضرت است که قرآن کریم او را به «رحمت» توصیف کرده است. «و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین»^۴ (و ترا ای پیامبر نفرستادیم مگر آنکه برای اهل عالم مایهٔ رحمت باشی) نتیجهٔ انتخاب راه مستقیم و پیروی از پیامبر اکرم ﷺ بروز رحمت خاص خداوند به صورت اعطای نعمتهای باطنی است: «... و أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً و بَاطِنَةً...»^۵ (و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرد.) که براساس روایات و تفاسیر، برخی از نعمتهای ظاهری عبارتند از نعمت حیات، رزق، فرستادن پیامبران، فرستادن کتب آسمانی، هدایت و ارشاد که این نعمتهای اخیر موجب پدید آمدن نعمتهای باطنی می‌شوند که عبارتند از توفیق و تأیید و مودت اهل بیت علیهم السلام و ولایت آنها و مخفی ماندن عیبها و آمرزش گناهان و نعمتهایی که برای قیامت ذخیره شده است.^۶

پس با توجه به وصف «الرحیم» می‌توان گفت که خداوند مؤمن را دوست دارد و در دنیا و آخرت او را مورد رحمت خاص خود قرار داده و نعمتهای باطنی ارزشمندی را به او عطا می‌کند. از جمله نعمت ولایت و

۱- اعراف / ۱۵۶ ۲- دهر / ۳

۳- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۹۶-۹۴ ۴- انبیاء / ۱۰۷

۵- لقمان / ۲۰

۶- اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۰ ص ۴۲۹

مودت اهل بیت علیهم السلام در دنیا و غفران و فلاح و رستگاری در آخرت.^۱

می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ذکر «الرحمن الرحیم» در کنار «ربّ العالمین» بیان مهر و عطوفت خداوند نسب به همه موجودات و همه بندگان و بویژه مؤمنین است. یعنی خداوند بخشنده بخشایگری است که نه تنها بخشش او با عاطفه و مهر همراه است^۲ بلکه تدبیر و تربیت او نیز همراه با محبت و رحمت است.^۳

۱- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه‌ا... مظاهری با تصرف

۲- تسنیم ج ۱ ص ۳۸۰ با تصرف

۳- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۵

خودآزمایی

- ۱- آیه «ارحمن الرحیم» حاوی چند برهان برای اثبات اختصاص حمد به خداوند است؟
- ۲- دو وصف «الرحمن» و «الرحیم» چگونه «رب العالمین» بودن خداوند را تفسیر می‌کنند؟
- ۳- وصف «الرحمن» به چه نوع تربیت و پرورشی اشاره دارد؟
- ۴- وصف «الرحیم» چه نوع تربیت و پرورشی را مطرح می‌کند؟
- ۵- آیه «و رحمتی وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۱ به کدامیک از اوصاف رحمت خداوند اشاره دارد؟
- ۶- آیه «انّا هدیناه السبیل امّا شاکراً و امّا کفوراً»^۲ کدامیک از اوصاف رحمت خداوند را مطرح می‌کند؟
- ۷- براساس آیه «وما ارسلناک الا رحمةً للعالمین»^۳ چه کسی مظهر رحمت خداوند است؟
- ۸- براساس آیه «و ما ارسلناک الا رحمةً للناس»^۴ راه راست کدام راه است؟
- ۹- نتیجه پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس آیه «و اَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً و باطنَةً...»^۵ چیست؟
- ۱۰- برخی از مصادیق نعمتهای ظاهری را نام ببرید.
- ۱۱- رابطه نعمتهای ظاهری و نعمتهای باطنی چیست؟
- ۱۲- برخی از مصادیق نعمتهای باطنی را نام ببرید.

۲- دهر / ۳

۴- همان

۱- اعراف / ۱۵۶

۳- انبیاء / ۱۰۷

۵- لقمان / ۲۰

آیه «مالک یوم الدین»

معانی کلمات

مَالِک: مَلِک، مَلِک و مَلِیک، سه اسم از اسماء حسناى خداوند است که دارای ریشهٔ واحد «مَلِک» و به معنای سلطهٔ خاصی است که زمینه ساز هرگونه تصرف در موجوداتِ قابل تصرف است. همانند سلطه‌ای که انسان بر مال خود دارد یا سلطه‌ای که حاکمان بر مردم دارند.^۱

یوم: یوم در لغت فاصلهٔ میان طلوع و غروب خورشید است و در اصطلاح به عصر و زمان و دوره‌ای که در آن حادثهٔ تاریخی روی داده است گفته می‌شود. قرآن کریم از دوره‌های آفرینش آسمان و زمین به «ایام» تعبیر نموده: «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^۲ (آسمانها و زمین را در شش روز آفرید)

دین: دین به معنای مجموعه‌ای از اعتقادات، احکام و قوانین و اخلاق گفته می‌شود. همچنین این واژه به معنای جزاست گویا؛ شریعت و دین را آن جهت دین می‌گویند که آثار و جزای نیک و بد اعمال را بیان می‌کند و ثواب و عقاب هر عملی را معین می‌کند.^۳ به معنی عمل و اطاعت نیز بکار می‌رود.^۴

۲- اعراف / ۵۴

۱- تسنیم ج ۱ ص ۳۸۲

۴- تفسیر نور ج ۱ ص ۲۵

۳- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۳۰

تفسیر آیه «مالک یوم الدین» (فرمانروای روز جزا)

مالکیت حقیقی و اعتباری

دو قرائت مشهور برای این آیه وجود دارد «مالک یوم الدین» و «مَلِک یوم الدین». اما قرائت درست همان قرائتی است که در رسم الخط قرآن نوشته شده و همان از جانب حق بر پیامبر ﷺ نازل شده است و آن قرائت «مالک یوم الدین» است.^۱ زیرا منظور آن است که هیچکس در آن روز مالکیت و ملکیت تصرف ندارد.^۲ انواع مالکیت متعدد است:

۱- مالکیت اعتباری، مانند مالکیت انسان نسبت به لباس و خانه خودش که تحت قرارداد است و با خرید و فروش و سایر معاملات قابل تغییر است.

۲- مالکیت حقیقی محدود، مانند مالکیت انسان نسبت به اعضا و جوارح خویش. انسان با اراده خود می‌تواند در اعضای خود مانند چشم و گوش تصرف کند. این مالکیت حقیقی است اما چون انسان موجود محدودی است، مالکیت او نیز محدود است.

۳- مالکیت حقیقی مطلق و آن مالکیت نامحدود خداوند نسبت به عالم است.^۳

خداوند مالک حقیقی دنیا و آخرت

مالکیت حقیقی مطلق مالکیتی است که بطور حقیقی وجود دارد و وابسته به قرارداد نیست و مختص خداوند است زیرا او واجد تمام صفات پسندیده از علم و قدرت و حیات و عظمت و علو و غیر اینهاست

۱- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ... مظاهری

۳- تسنیم ج ۱ ص ۳۹۴

۲- روض الجنان ج ۱ ص ۷۵

که همگی آنها عین ذات اوست و سلبش از او محال است.^۱ از عبارات «يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»^۲ (خدا هر چه خواهد می‌کند) و «يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»^۳ (خدا هر چه بخواهد حکم می‌کند) معلوم می‌شود که غیر خدا، هر چه دارند از جانب خداوند است. و این مالکیت نتیجه خالقیت و ربوبیت اوست. یعنی آنکس که موجودات را آفریده و لحظه به لحظه فیض وجود به آنها می‌بخشد مالک حقیقی آنهاست. تعبیر به «مالکیت خداوند در روز قیامت» برای این است که نهایت سیطره و نفوذ او را بر همه چیز در آن روز مشخص کند زیرا در آن روز همه پیوندهای مادی و مالکیت‌های اعتباری از بین می‌رود و هیچکس در آنجا چیزی از خود ندارد مگر عملی را که انجام داده است. همه انسانها در آن دادگاه بزرگ حاضر می‌شوند و در برابر مالک حقیقی خود قرار می‌گیرند.^۴ خداوند مالک حقیقی دنیا و آخرت است اما چون انسان در دنیا چشم حقیقت بین ندارد و مالکها و مَلِکهای اعتباری می‌سازد و خود و دیگران را مالک بر اشیاء و مَلِک آنها می‌پندارد، به اعتباری بودن این مالکیتها توجه ندارد.^۵ اما در روز قیامت این اعتبارها از بین رفته و حقایق مکشوف می‌شود و انسان می‌فهمد که همه مالکیتها ساختگی و قراردادی بوده و مالک و مَلِک حقیقی هستی تنها خداوند است. برای همین قرآن کریم فرمود «مالک یوم الدین»

مالکیت خداوند در روز قیامت برهانی دیگر بر اختصاص حمد

اراده آزاد و اختیار عمل از امتیازات مخصوص انسان است. براساس همین اختیار و آزادی است که اعمال انسان دارای ارزش نیک و یا بد

۱- اَطِيبُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ج ۱ ص ۱۰۶

۳- مائده / ۱

۲- آل عمران / ۴۰

۵- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۹۸

۴- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۳۰

می‌گردد و همین منشأ تکلیف است. چون حقیقت مالکیت، حق تصرف کامل است و انسان در عمل کردن آزاد است. پس مالکیت عمل، موهبتی است که به انسان داده شده و این مالکیت از عزم بر انجام عمل تا انجام عمل است. همین که عمل انجام یافت از مالکیت انسان خارج می‌شود و در شرایطی که تحت مالکیت خداوند است آثار و نتایجی بر آن مترتب می‌شود. مثل اینکه ما تا آنجا اختیار داریم که سخن را بگوئیم یا نگوئیم ولی اثر سخن در افکار و نتایج آن از اختیار ما بیرون است و نتیجه نهایی آن را در محیط ظهور که یوم الدین است می‌یابیم.^۱ بنابراین اعتقاد به قیامت موجب تعقل و تطهیر انسان می‌شود. زیرا انسان تلاش می‌کند که در هر حال، کار بهتر و عمل صحیح‌تر را انجام دهد. چنین فردی در عرف قرآن نیکوکار نامیده می‌شود که بر انجام اعمال صالح اهتمام دارد و در روز قیامت پاداش نیکوکاری خود را دریافت می‌کند. پس اساساً برپایی قیامت، عامل رشد و کمال انسان است از اینرو آیه «مالک یوم الدین» بعد از آیات «الحمد لله رب العالمین» و «الرحمن الرحیم» ذکر شده تا برهانی دیگر بر ضرورت حمد و اختصاص آن به خداوند باشد.^۲ زیرا ربوبیت خداوند اقتضا می‌کند که انسان را به کمال برساند و چون «رحیم» است قیامت را بر پا کرده تا مؤمنین و نیکوکاران را به صورت ثابت و مستمر مشمول رحمت خاص خود گرداند.^۳ پس «حمد» مختص خداوندی است که رب است و رحیم است و مالک روز جزاست و قیامت پرتوی از ربوبیت او و جلوه‌ای از رحمت اوست.^۴

و می‌توان افزود آیه «مالک یوم الدین» تفسیر صفت ربوبیت و

۱- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۳۰ با تصرف ۲- تسنیم ج ۱ ص ۳۸۴

۳- اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۱۰۶ با تصرف

۴- تفسیر ج ۱ ص ۲۷

رحیمیت خداوند است و برای تشویق انسان به ایمان به خداوند و اعتقاد به روز جزاء آمده است.^۱

«یوم» در قرآن

منظور از «یوم» در بیشتر استعمالهای قرآنی آن، جهان آخرت است. مانند: «یوم الدین»^۲، «الیوم الآخر» (روز واپسین) و «یوم یقوم الروح...»^۳ (روزی که آن روح و فرشتگان به صف ایستند) و «یوم لا تملك نفس لنفسٍ شيئاً و الامرُ یومئذٍ لله»^۴ (روزی که هیچکس برای کسی اختیار چیزی را ندارد و حکم در آن روز یکسره با خداست). یوم به معنای روز در مقابل شب یا در برابر ماه و سال نیست. همچنین به معنای مجموع شب و روز هم نیست و از اینرو کلمه یوم در «یوم الدین» یا «یوم القيامة» تثنیه و جمع ندارد. بلکه روز قیامت برای بسیاری از انسانها به درازای پنجاه هزار سال است. «فی یومٍ کان مقدارُه خمسين ألف سنة»^۵ (در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است) ولی براساس روایتی از رسول اکرم ﷺ برای مؤمنان به اندازه یک نماز واجب بیشتر طول نخواهد کشید.^۶ پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به مردی که از طول روز قیامت سؤال کرد فرمود: روز قیامت برای مؤمن کوتاه است آنقدر که حتی از زمان لازم برای خواندن نماز واجب در دنیا کوتاهتر است.^۷

پس روز در مقابل شب، شبانه روز و سال و ماه نیست. زیرا وقتی آسمانها و زمین برچیده شوند دیگر حرکت وضعی و انتقالی زمین یا کره

۱- انوار درخشان ج ۱ ص ۲۱

۲- بقره ۸ /

۳- نبأ / ۳۸

۴- انفطار / ۱۹

۵- معارج / ۴

۶- تسنیم ج ۱ ص ۳۸۹

۷- نور الثقلین ج ۵ ص ۴۱۵ «والذی نفس محمد بیده إنّه لیخفف علی المؤمن حتی یكون أخفّ علیه من صلاةٍ مکتوبةٍ یصلیها فی الدنیا»

دیگر مطرح نیست تا از آن شب و روز و سال و ماه پدید آید.^۱

«دین» در قرآن

- لفظ «دین» در قرآن کریم در معانی مختلف بکار رفته است:
- ۱- مجموعه قوانین آسمانی: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۲ (در حقیقت دین در نزد خدا همان اسلام است).
 - ۲- عمل و اطاعت: «لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۳ (اطاعت و عمل خالص برای خداست).
 - ۳- حساب و جزا: «يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ»^۴ (می پرسند روز جزا چه وقت است؟)

علت نامگذاری روز قیامت به «یوم الدین»

از آنجا که در واژه «یوم» (روز) معنای ظهور و آشکاری وجود دارد می توان گفت که روز قیامت روز ظهور است. اما ظهور چه چیزی؟ چنانکه گفته شد واژه «دین» در قرآن کریم در سه معنی به کار رفته است که در عبارت «یوم الدین» هر یک از سه معنا را می توان در نظر گرفت.

- ۱- روز قیامت روز ظهور دین با همه ابعاد آن است. یعنی حقیقت دین اسلام ظهور کامل می یابد.^۵ و^۶
- ۲- در روز قیامت دین انسان ظهور می یابد یعنی مجموعه اعتقادات، اعمال و اخلاق انسان ظهور می یابد و اعمال و طاعات و

۱- تسنیم ج ۱ ص ۳۹۰

۲- آل عمران / ۱۹

۳- زمر/ ۳

۴- زاریات / ۱۲

۵- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ۱... مظاهری با تصرف

۶- آیه «یوم یأتی تأویلہ» (اعراف / ۵۳) (روزی که تأویل قرآن بیاید) اشاره به ظهور حقیقت قرآن در روز قیامت می کند یعنی معارف گسترده قرآن در قیامت به طور کامل ظهور می کند.

گناهان انسان مجسم می‌شود که به آن «تجسم اعمال» گفته می‌شود^۱
 ۳- روز قیامت روز ظهور جزای اعمال است.

بیم و امید در سوره «حمد»

قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت انسان است «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»^۲ (آن کتاب بلند مرتبه که هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزکاران است.) و چون مهمترین عامل در هدایت انسان، اعتقاد به قیامت است و فراموشی آن، مهمترین عامل تباهکاری انسان است: «لهم عذابٌ شدیدٌ بما نَسُوا یومَ الحساب»^۳ (به سزای آن که روز حساب را از یاد برده‌اند عذابی سخت خواهند داشت.)
 در بسیاری از آیات قرآن کریم سخن از معاد و قیامت به میان آمده است. در سوره مبارکه «حمد» نیز در کنار رحمت الهی سخن از مالکیت روز قیامت است تا انسانها را بین بیم و امید (خوف و رجاء) پرورش دهد.^۴

«مالک یوم الدین» نوعی هشدار است که با قرار گرفتن در کنار آیه «الرحمن الرحیم» بشارت و هشدار رادر کنار هم مطرح می‌کند نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: «نَبِّئْ عِبَادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیْمُ. وَ أَنَّ عَذَابِی هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِیْمُ»^۵ (به بندگان من خبر ده که بی‌تردید من آمرزنده‌ای مهربانم و عذاب من عذابی دردآور است.) بنابراین در تعلیم دینی، بیم و امید (خوف و رجاء) در کنار هم ذکر می‌شود. در سوره «حمد» نیز بکار رفتن اسمای حسناى خداوند مانند «رب» «الرحمن» و «الرحیم» برای انسان شوق‌انگیز و امید آفرین است ولی «مالک یوم

۱- آیه «یومٌ همُّ بارزون...» (غافر / ۱۶) (روزی که مردم نمایان می‌شوند) اشاره به ظهور

حقیقت اعتقادات و اعمال انسانها دارد. ۲- بقره / ۲

۳- ص / ۲۶ ۴- تسنیم ج ۱ ص ۳۹۱

۵- حجر / ۵۰ و ۴۹

الدین» بیم و هراس را القاء می‌کند زیرا اگر خداوند فقط به رحمتش معرفی شود ممکن است موجب غرور و غفلت انسان شود اما تذکر معاد و روز قیام و وصف خداوند با صفت مالکیت مطلق روز قیامت، در انسان بیم و هراس ایجاد می‌کند و تلفیق بیم و امید موجب تحرک انسان شده و او را در مسیر کمال به حرکت در می‌آورد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره یاد قیامت می‌فرماید:

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ»^۱ (هر کس که زیاد به یاد آخرت باشد، کمتر گناه می‌کند).

خودآزمایی

۱- با توجه به معانی واژه «دین» علت نامگذاری شریعت الهی به «دین» چیست؟

۲- کدامیک از دو قرائت «مالک» و «مَلِک» در سوره حمد صحیح است؟

۳- مالکیت اعتباری چیست؟

۴- مالکیت حقیقی چند نوع است؟

۵- مالکیت حقیقی محدود چیست؟

۶- مالکیت حقیقی مطلق چیست؟

۷- مالکیت خداوند نتیجه کدامیک از اوصاف الهی است؟

۸- آیه «يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»^۱ به چه وصفی از اوصاف خداوند اشاره می‌کند؟

۹- آیه «يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»^۲ به چه وصفی از اوصاف خداوند اشاره می‌کند؟

۱۰- خداوند مالک حقیقی دنیا و آخرت است اما چرا در سوره حمد تعبیر به مالکیت خداوند در روز قیامت شده است؟

۱۱- منشأ تکلیف انسان چیست؟

۱۲- مالکیت انسان بر اعمال خود چه نوع مالکیتی است؟

۱۳- در چه موقعی اعمال از مالکیت انسان خارج می‌شود؟

۱۴- محیط ظهور نتایج و آثار اعمال انسان کجاست؟

- ۱۵- اعتقاد به قیامت چه آثاری در انسان دارد؟
- ۱۶- ویژگی انسان نیکوکار در عرف قرآن کریم چیست؟
- ۱۷- آیه «مالک یوم الدین» چگونه بر ضرورت حمد و اختصاص آن به خداوند برهان اقامه می‌کند؟
- ۱۸- بین «رحیم» بودن خداوند و برپایی قیامت، چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۱۹- ارتباط برپایی قیامت با ربوبیت خداوند چگونه است؟
- ۲۰- آیه «مالک یوم الدین» تفسیر کدامیک از اوصاف خداوند در سوره حمد است؟
- ۲۱- منظور از «یوم» در بیشتر کاربردهای قرآن چیست؟
- ۲۲- طول مدت روز قیامت برای بسیاری از انسانها چند سال است؟
- ۲۳- براساس روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مدت روز قیامت برای مؤمن چقدر است؟
- ۲۴- چرا کلمه «یوم» در تعبیر «یوم الدین» تشبیه و جمع ندارد؟
- ۲۵- در آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱ واژه «دین» در چه معنایی بکار رفته است؟
- ۲۶- در آیه «لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۲ کلمه «دین» در چه معنایی بکار رفته است؟
- ۲۷- در آیه «يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ»^۳ واژه «دین» در چه معنایی بکار رفته است؟
- ۲۸- علت نامگذاری قیامت به «یوم - روز» چیست؟
- ۲۹- با توجه به معانی واژه «دین» روز قیامت روز ظهور چه چیزهایی است؟

۳۰- براساس آیه «یوم یأتی تأویلُه»^۱ روز قیامت روز ظهور چیست؟

۳۱- براساس آیه «یوم هُم بارزون»^۲ روز قیامت روز ظهور چه چیزهایی است؟

۳۲- آیه «لهم عذابٌ شدیدٌ بما نسوا یومَ الحساب»^۳ مهمترین عامل تباہکاری انسان را چه چیزی معرفی می‌کند؟

۳۳- علت بیان مالکیت روز قیامت پس از ذکر رحمت الهی، در سوره حمد چیست؟

۳۴- آیات «نَبِّیْءِ عِبَادِیَ اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیْمُ. وَ اَنَّ عَذَابِیْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِیْمُ»^۴ چه حالاتی را به انسان القاء می‌کند؟

۳۵- تلفیق خوف و رجا (بیم و امید) در آموزه‌های قرآنی چه تأثیری در انسان دارد؟

۳۶- از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام تأثیر یاد قیامت در انسان چیست؟

۲- مؤمن / ۱۶

۱- اعراف / ۵۳

۴- حجر / ۵۰ و ۴۹

۳- ص / ۲۶

آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

کلمات آیه

ایاک: ضمیر منفصل و منصوب است یعنی ضمیری است که مفعول واقع می‌شود و در این آیه مفعول فعل «نعبد» و «نستعین» است به معنی «تورا»^۱

نعبد: فعل است به معنی «اطاعت می‌کنیم» زیرا عبادت به معنی اطاعت و فرمانبری توأم با فروتنی و عدم سرپیچی است^۲ که در فارسی به آن «بندگی» می‌گویند. یعنی خود را در بند نهان و این بند را پیوسته بر گردن خود استوار داشتن و تسلیم شدن در برابر کسی از روی احتیاج یا محبت و یا بزرگی و عظمت و لازمهٔ چنین تسلیمی خضوع و فروتنی است^۳

نستعین: فعل است به معنی «کمک، تأیید و توفیق می‌طلبیم»^۴ زیرا استعانت به معنای کمک و یاری خواستن است

تفسیر آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

(پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم

مفهوم عبادت

در زبان عربی وقتی که چیزی رام، نرم و مطیع بشود به طوریکه هیچگونه عصیان و مقاومتی نداشته باشد این حالت را «تعبد» می‌گویند.

۲- الموسوعة القرآنية ج ۹ ص ۵۰

۴- الموسوعة القرآنية همان

۱- تفسیر آسان ج ۱ ص ۲۰

۳- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۳۰

انسان عبد یعنی کسی که رام و تسلیم و مطیع است و هیچگونه سرپیچی و عصیان در برابر خداوند ندارد^۱ و اژه عبادت همین معنی را می‌رساند. عبادت خدا یعنی نشان دادن بندگی خود به پروردگار^۲.

انحصار عبادت خدا و نفی غیر خدا

در جمله «ایاک نعبد» از نظر دستور زبان عربی، «ایاک» مفعولِ فعلی «نَعْبُد» است و بر حسب معمول می‌بایست بعد از فعل قرار بگیرد و گفته شود «نَعْبُدُکَ» که در این صورت معنایش این بود: خدایا ترا پرستش می‌کنیم. ولی قاعده‌ای در زبان عربی وجود دارد که اگر مفعول جلوتر از فعل ذکر شود مفهوم «انحصار» را به سخن اضافه می‌کند بنابراین معنای آیه این چنین است: خدایا فقط ترا پرستش می‌کنیم.

جمله «ایاک نعبد» در حقیقت یک جمله است با دو مفهوم؛ مفهوم اولش این است که: خدایا فقط ترا پرستش می‌کنیم و مفهوم دوم آن این است: حال که فقط ترا می‌پرستیم، در مقابل غیر خدا هرگز مطیع و تسلیم محض نیستیم.

از این جهت این جمله معادل شعار توحیدی «لا اله الا الله» است که در آن واحد، ایمان به خدا و نفی غیر خدا را می‌رساند. حکمتش هم این است که ایمان در اسلام به معنی تسلیم در برابر خداوند و انکار مظاهر طغیان است یعنی ایمان به خدا بدون نفی غیر خدا و طاغوت، کامل نیست آنچنانکه در آیه‌الکرسی نیز مطرح شده است^۳.

«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فَمَنْ یُکْفِر بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ...»^۴ (در دین اکراهی نیست

۲- تسنیم ج ۱ ص ۴۱۵ با تصرف

۱- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۰۵

۳- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۱۰ با تصرف

۴- بقره / ۲۵۶

زیرا راه از بیراهه آشکار شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، یقیناً به محکمترین دستاویز، دست آویخته است.

اندیشه‌های انسان، پایه و اساس اعمال و رفتار اوست^۱

آیات پیشین این سوره سخن از توحید ذات و صفات است^۲ خداوند در این آیات، جامع کمالات است: «الله» بر سراسر عوالم هستی ربوبیت مطلق دارد: «رب العالمین». رحمت مطلق او همه چیز را فرا گرفته است: «الرحمن». و رحمت مخصوصی برای مؤمنان دارد: «الرحیم». و مالکیت مطلق او در روز قیامت ظهور می‌یابد: «مالک يوم الدين»^۳. همه این‌ها در قلمرو توحید نظری است یعنی توحیدی که از مقوله شناخت است و شناخت مقدمه عمل است^۴. در این سوره نیز شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دستیابی به توحید عبادی است^۵ و توحید عبادی آن است که انسان به جز خداوند هیچ چیز و هیچکس را شایسته پرستش نداند و از بندگی و تسلیم در برابر غیر خدا بپرهیزد.^۶ بنابراین گفتن «ایاک نعبد - فقط ترا می‌پرستیم» آغاز توحید عبادی است که پایه و مقدمه آن شناختی است که از آیات پیشین به دست آمده است.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که تمام آیات پیشین علت انحصار عبادت در خداوند هستند یعنی چون خداوند، «الله»، «رب» «الرحمن»، «الرحیم»، «مالک يوم الدين» است عبادت و یاری خواستن ویژه اوست^۷.

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ... مظاهری

۴- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۰۴

۶- برگزیده تفسیر نمونه ج ۱ ص ۳۲

۱- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۳

۳- تسنیم ج ۱ ص ۴۱۷

۵- تفسیر راهنما همان

۷- تسنیم ج ۱ ص ۴۱۸

انسان‌شناسی در سوره حمد

توحید عبادی، مرحله‌ای است که انسان پس از شناخت بدان گام می‌نهد و در ضمن آن به صورت عملی، مسیر کمال را طی می‌کند. عبارت «ایاک نعبد» که توحید عبادی را مطرح می‌کند حاوی نکته ظریفی است که انسان‌شناسی سوره حمد را نیز بیان می‌کند. آن نکته این است که در این مقام (مقام توحید عبادی) که مقام کمال یافتن انسان است، فعل عبادت به صورت مفرد «أعبد = می‌پرستم» نیامده است، گفته نشده: «ایاک أعبد = من تنها تو را می‌پرستم» بلکه گفته شده «ایاک نعبد = ما تنها تو را می‌پرستیم» علت هم این است که اگرچه انسان در پرتو شناخت خدا، ساخته می‌شود و به کمال می‌رسد اما این کمال تمام نمی‌شود مگر به اینکه به مرحله عمل در آید یعنی از توحید نظری به توحید عبادی برسد، اما در این مرحله نیز رشد و کمال انسان کامل نمی‌شود بلکه انسان باید در ضمن عمل اجتماعی و به صورت همراه و هماهنگ با جامعه توحیدی به کمال مطلوب خود برسد.

یعنی انسان موجودی است اهل تفکر، پس باید اندیشه‌اش پرورش یابد. او موجودی است الهی، پس باید به خدا توجه کند. او موجودی است عمل‌گرا پس باید اندیشه‌هایش مقدمه اعمال او باشند. او موجودی است اجتماعی پس باید به جامعه توحیدی بپیوندد و همراه با اجتماع رشد کند.

براین اساس معنی «ایاک نعبد» چنین است: پروردگارا! ما مردم جامعه توحیدی، در حرکتی هماهنگ، همه با هم به سوی تو و مطیع فرمان تو، در حرکتیم^۱. به این ترتیب هرگونه فردگرایی و تک‌روی و انزواطلبی و مانند اینها، مفاهیمی مردود از نظر قرآن و اسلام شناخته

می‌شود.^۱ بلکه می‌توان گفت کلمه «نَعْبُدُ» بر اخوت دینی تمام مسلمانان جهان اشاره دارد.^۲

حرکت انسان از غیبت به حضور

از اول سوره تا جمله «مالک یوم الدین» همه آیات به صورت غایب است یعنی از «آن خدا» سخن به میان آمده و اسمای حسنی او بیان شده است، ولی از آیه «ایاک نعبد...» به بعد لحن سخن تغییر یافته و همه جملات به صورت گفتگویی رویاروی با خداوند آمده است. سر این تغییر لحن از غیبت به حضور این است که درک و باور اسمای حسنی الهی زمینه قرار گرفتن انسان در مقام وصل و حضور در محضر خداوند است. اگر کسی توحید نظری صحیح داشته باشد و باور کند که خداوند جمیع کمالات وجودی را دارد و او رب همه جهانهاست و رحمن و رحیم است و مالکیت بی‌حد و مرز او در روز قیامت ظهور می‌کند، چنین کسی مسیر رشد فکری را طی کرده و به مقام عمل که مقام حضور است بار یافته است. پس تفاوت لحن سخن در این سوره به دلیل تفاوت حال انسان است^۳ و در واقع این سوره مسیر رشد انسان و راه رسیدن به مقام وصل را می‌رساند که عبارتست از شناخت صحیح انسان از خداوند که حتماً به مقام عمل که مقام وصل است منتهی می‌شود.

نکته‌ها

۱- انسان وقتی اجازه گفتگوی رویاروی با خدا را می‌یابد که به او معرفت پیدا کند.

۲- پرستش و اظهار بندگی به معبود غایب معنی ندارد پس

۲- نسیم حیات ج ۱ ص ۳۸

۱- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۴۵

۳- تسنیم ج ۱ ص ۴۱۷ با تصرف

پرستش، اظهار بندگی به درگاه خدایی است که حاضر است^۱.

۳- «ایاک نعبد» با توجه به آیات بعدی («... الذین انعمت علیهم» یعنی اینکه انسان خود را در زمره بندگان صالح خداوند قرار دهد و آنان را الگوهای اعتقادی و رفتاری خویش بداند. «ایاک نعبد» یعنی من به همراه پیامبر و ائمه و مؤمنین همگی بنده تو هستیم.^۲

۴- «ایاک نعبد» یعنی فقط بنده تو هستیم نه بنده شیطان. چون انسان از دو حال خارج نیست یا بنده خداست یا بنده شیطان «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ (مگر با شما پیمان نبستم ای فرزندان آدم که عبادت شیطان نکنید که او دشمن آشکار شماست و اینکه تنها مرا بندگی کنید که راه راست این است.) و منظور از عبادت شیطان اطاعت از شیطان است^۴ همانطور که اطاعت از خداوند، عبادت او و راه راست و صراط مستقیم است.

۵- نادیده گرفتن خود در محضر خداوند از آداب پرستش اوست. بکار رفتن «ما» به جای «من» در جمله «ما تنها تو را می پرستیم» برای پرهیز از خود بینی است.^۵

حکایت

در میان بنی اسرائیل عابدی بود. وی را گفتند: فلان جا درختی است و قومی آن را می پرستند. عابد خشمگین شد، برخاست و تبر بر دوش نهاد تا آن درخت را بر کند. ابلیس به صورت پیری ظاهر الصلاح بر مسیر او مجسم شد و گفت: ای عابد برگرد و به عبادت خود مشغول باش. عابد گفت: نه، بریدن درخت مهمتر است.

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ۱... مظاهری

۴- تفسیر نور ج ۹ ص ۵۵۱

۱- نسیم حیات ج ۱ ص ۴۰

۳- یس / ۶۱ و ۶۰

۵- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۳

مشاجره بالا گرفت و درگیر شدند. عابد بر ابلیس غالب آمد و وی را بر زمین کوفت و بر سینه‌اش نشست. ابلیس گفت: دست بدار تا سخنی بگویم، تو که پیامبر نیستی و خدا بر این کار تو را مأمور نموده است. به خانه برگرد، تا هر روز دو دینار زیر بالش تو نهم، با یکی معاش کن و دیگری را انفاق نما و این بهتر و صوابتر از کندن آن درخت است. عابد پذیرفت و برگشت. با مداد دیگر روز، دو دینار دید و برگرفت. روز دوم دو دینار دید و برگرفت. روز سوم هیچ نبود. خشمگین شد و تبر برگرفت. باز در همان نقطه، ابلیس پیش آمد و گفت: کجا؟ عابد گفت: تا آن درخت برگردم. اما بگو چرا بار اول بر تو پیروز آمدم و اینک در چنگ تو حقیر شدم؟ ابلیس گفت: آن وقت تو برای خدا خشمگین بودی و خدا مرا مسخر تو کرد، که هر کس کار برای خدا کند، مرا بر او غلبه نباشد، ولی این بار برای دنیا و دینار خشمگین شدی، پس مغلوب من گشتی.^۱

«... و ایاک نستعین»

تنها حقیقتی که شایسته یاری جستن می باشد، خداوند است.

«ایاک نستعین» یعنی تنها از تو کمک می‌خواهیم و این در واقع توحید افعالی است و توحید افعالی آن است که تنها مؤثر حقیقی را در عالم، خدا بدانیم و معتقد باشیم که هر چیزی هر تأثیری که دارد، به فرمان خداست. ثمره این عقیده آن است که انسان تنها متکی به «الله» خواهد بود، قدرت و عظمت را تنها مربوط به او می‌داند و غیر او در نظرش فانی و فاقد قدرت می‌باشد. انسان با این تفکر در می‌یابد که حتی در عبودیت و بندگی خود نیز به کمک خداوند احتیاج دارد تا

مبادا گرفتار انحراف، غرور و یا ریا بشود.^۱

چرا نباید از غیر خدا یاری بطلبیم؟

منظور از «ایاک نستعین» هرگونه کمک گرفتن از غیر خدا نیست بلکه خداوند اصولاً انسان را موجودی نیازمند به دیگران خلق کرده، یعنی جامعهٔ انسانها اینطور است که هر کس به دیگری محتاج است و اینکه می‌بینیم در سفارشات اسلامی دائماً امر به تعاون و همکاری شده نمایانگر همین حقیقت است. قرآن کریم می‌فرماید «تعاونوا علی البر و التقوی»^۲ (در کارهای نیک یکدیگر را مدد برسانید). اگر استعانت و یاری گرفتن از غیر خدا در هیچ حدی جایز نبود، خداوند به تعاون توصیه نمی‌کرد. بلکه این آیه می‌رساند که انسانها به یکدیگر محتاجند و باید به یکدیگر مدد و یاری برسانند. پس در جمله «ایاک نستعین» نمی‌گوید که انسان نباید از دیگران کمک بگیرد بلکه منظور آن است که آن اعتماد نهایی و آن تکیه‌گاه قلب انسان و آنچه که انسان حقیقتاً به آن تکیه دارد، بایستی خدا باشد و همهٔ آنچه را که در دنیا از آنها استمداد می‌جوید باید وسیله بداند و بداند که حتی خود انسان، قوای وجودی او، نیروی مغزی او و همه و همه، وسایلی هستند که خداوند آفریده و در اختیار او نهاده است و سر رشتهٔ امور به دست اوست.^۳

حکایت

نوشته‌اند که در یکی از جنگها رسول اکرم ﷺ در کنار اردوگاه استراحت کرده و به خواب رفت. اتفاقاً یکی از افراد شجاع دشمن، در حالیکه مسلح بود و جستجو می‌کرد، نگاهش به رسول خدا افتاد و او را شناخت پس بالای سرش رفته و فریاد کشید: محمد تو هستی؟ حضرت

۲- مائده / ۲

۱- تفسیر نمونه ج ۱ ص ۴۵-۴۳

۳- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۱۳

نگاهی کرد و فرمود: آری من هستم، گفت: چه کسی می‌تواند ترا از دست من نجات دهد؟ رسول خدا بدون درنگ فرمود: خدا. آن مرد که چنین انتظاری نداشت گفت الان به تو نشان خواهم داد و یک قدم عقب رفت تا ضربت خود را قوی‌تر بزند، ناگهان پایش به سنگ اصابت نموده و محکم به زمین خورد. حضرت به سرعت از جای برخاست و بالای سرش ایستاد و فرمود: چه کسی ترا از دست من می‌تواند نجات دهد؟ آن مرد با زیرکی پاسخ داد: کرم تو. و رسول خدا ﷺ او را عفو فرمود. منظور این است که انسان باید بداند که سر رشته وسایل و اسباب در دست خداوند قرار دارد^۱

یاری جستن از خداوند در همه امور

از آنجا که مصداق یاری گرفتن از خداوند در جمله «ایاک نستعین» مشخص نشده است و به اصطلاح استعانت از خداوند بدون قید مطرح شده است می‌توان فهمید که انسان، نیازمند یاری خداوند در تمامی امور خویش است از آنجا که این جمله بعد از جمله «ایاک نعبد» آمده، معلوم می‌شود که انسان در پرستش خدا و خلوص در آن نیز نیازمند امداد الهی است بلکه می‌توان گفت که چون پیش از جمله «ایاک نستعین» آیه «الحمد لله رب العالمین» لزوم ستایش و سپاس‌گزاری به درگاه خداوند را مطرح کرده است، ستایش و سپاس هم موضوع استعانت است. یعنی برای اینکه بتوانیم به درگاه خداوند سپاس‌گزاری کرده و او را ستایش کنیم به یاری خداوند احتیاج داریم. و باز می‌توان گفت برای شناخت ربوبیت الهی و اسمای حسنی خداوند از جمله «الرحمن» و «الرحیم» هم محتاج یاری خداوند هستیم^۲ بلکه می‌توان گفت تا آخر سوره، موضوع استعانت و یاری خواستن از خداوند است که توضیح آن در پی خواهد آمد.

۲- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۵-۳۴ با تصرف

۱- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۱۴

خودآزمایی

- ۱- «ایاک» چه نوع ضمیری است و معنای آن چیست؟
- ۲- «ایاک» مفعول کدام فعل در سوره حمد است؟
- ۳- معنای «عبادت» چیست؟
- ۴- معنای فعل «نعبد» چیست؟
- ۵- معنای فعل «نستعین» چیست؟
- ۶- واژه «تعبد» در زبان عربی چه معنایی دارد؟
- ۷- انسان در چه صورتی به وصف «عبد» توصیف می‌شود؟
- ۸- ذکر مفعول پیش از فعل چه مفهومی را به سخن اضافه می‌کند؟
- ۹- با توجه به مقدم شدن مفعول بر فعل در جمله «ایاک نعبد» ترجمه صحیح این جمله چیست؟
- ۱۰- مفهوم دوگانه جمله «ایاک نعبد» چیست؟
- ۱۱- چرا جمله «ایاک نعبد» معادل شعار توحیدی «لا اله الا الله» است؟
- ۱۲- مفهوم ایمان در اسلام چند وجهی است؟
- ۱۳- آیه «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی...»^۱ برای ایمان چند وجه معرفی می‌کند؟
- ۱۴- پایه و اساس اعمال و رفتار انسان چیست؟
- ۱۵- در سوره حمد چند نوع توحید مطرح شده است؟

- ۱۶- توحید نظری مقدمه دستیابی به چه نوع توحیدی است؟
- ۱۷- توحید عبادی یعنی چه؟
- ۱۸- براساس آیات سوره حمد انسان چگونه موجودی است؟
- ۱۹- کدامیک از آیات سوره حمد فردگرایی و انزواطلبی را مردود اعلام می‌کند؟
- ۲۰- کدامیک از آیات سوره حمد، بر اخوت دینی تمام مسلمانان جهان اشاره دارد؟
- ۲۱- چرا در مقام توحید عبادی، فعل عبادت بصورت مفرد «أعبد» نیامده بلکه بصورت جمع «نعبد» آمده است؟
- ۲۲- تأثیر فردی بکار بردن فعل عبادت بصورت جمع، در انسان چیست؟
- ۲۳- سوره حمد مسیر رشد انسان را چگونه ترسیم می‌کند؟
- ۲۴- با توجه به آیه «الذین انعمت علیهم» معنی آیه «ایاک نعبد» چیست؟
- ۲۵- منظور از عبادت شیطان در آیه «ألم أعهد الیکم یا بنی آدم أن لا تعبدوا الشیطان»^۱ چیست؟
- ۲۶- عبارت «ایاک نستعین» چه نوع توحیدی را مطرح می‌کند؟
- ۲۷- ثمره اعتقاد به توحید افعالی چیست؟
- ۲۸- «ایاک نستعین» و عقیده به توحید افعالی چگونه با آیه «و تعاونوا علی البرّ و التقوی»^۲ قابل جمع است؟
- ۲۹- قرار گرفتن «ایاک نستعین» بعد از «ایاک نعبد» چه پیامی را القا می‌کند؟
- ۳۰- پیام سوره حمد با توجه به جمله «ایاک نستعین» و آیات قبل و بعد از آن چیست؟

اهدنا الصراط المستقیم

کلمات آیه

اهدنا: فعل «اهدنا» دعای بنده به درگاه خداوند است.^۱ این فعل از مصدر «هدایت» گرفته شده و «هدایت» در معنای ارشاد و راهنمایی به سوی مقصد به کار می‌رود آنچنانکه در آیه «انک لتهدی الی صراطٍ مستقیم»^۲ (بی تردید تو مردم را به راه راست هدایت می‌کنی) به کار رفته است.

همچنین در معنای توفیق دادن به اداء وظیفه عبودیت نیز به کار رفته است آنچنانکه قرآن کریم درباره پیامبران چنین فرموده است: «وهدیناهم الی صراطٍ مستقیم»^۳ و^۴ (و آنان را به راه راست هدایت کردیم) بنابراین هدایت دو معنی دارد: ۱- نشان دادن راه دستیابی به مقصد که به آن «ارایه طریق» می‌گویند.

۲- رساندن رهروان راه به مقصد که به آن «ایصال به مطلوب = رساندن به هدف» می‌گویند.^۵

صراط: واژه «صراط» در اصل به معنی «بلعیدن» است که برای «طریق» و راه به کار می‌رود و مناسبت آن با مفهوم طریق این است که «صراط» راهی است که رهرو را چنان در کام خود فرو می‌برد که امکان هر نوع انحراف و خروج از آن را منتفی می‌سازد.^۶

۲- شوری / ۵۲

۱- الموسوعة القرآنیة ج ۹ ص ۵۰

۴- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۶۳

۳- انعام / ۸۷

۶- قاموس قرآن ج ۴ ص ۱۲۳

۵- تسنیم ج ۱ ص ۴۵۷

فرق «صراط» با «سبیل»: «صراط» به معنای راه پهن و آشکار است.^۱ اما سبیل به معنای راه فرعی است که به راه اصلی منتهی می‌شود. در قرآن کریم «صراط» همیشه به صورت مفرد به کار رفته است چون شاهراه و راه اصلی که وسیع و روشن است و سبیل‌ها به آن منتهی می‌شوند، یکی است.^۲ اما «سبیل» واژه‌ای عام است و راه هدایت، راه معمولی و حتی راه گمراهی را هم شامل می‌شود. مثلاً «سبیل الله» هر راهی است که رضای خدا در آن باشد مثل انفاق فی سبیل الله یا هجرت فی سبیل الله و... در حالیکه «سبیل المجرمین»^۳ و یا «فی سبیل الطاغوت»^۴ خلاف آن است.^۵

مستقیم: آن چیزی است که کجی و انحرافی در آن نیست.^۶

تفسیر آیه «اهدنا الصراط المستقیم» (مارا به راه راست هدایت کن)

انواع هدایت

خداوند سه نوع هدایت دارد: ۱- هدایت تکوینی که مربوط به همه موجودات است. خداوند هر موجودی را که خلق کرده است، نحوه ادامه حیاتش را به او داده است: «ربنا الذی اعطى كل شیءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۷ (پروردگار ما کسی است که آفرینش هر چیزی را به او عطا کرده سپس هدایتش نموده است.)

۲- هدایت تشریحی که عبارت است از آرایه قانون سعادت بخش به انسان از طریق وحی که شامل تعلیم معارف، تبلیغ احکام دین و امر به فضایل و نهی از رذایل است.^۸ این هدایت مختص به انسانها است و عام

۱- قاموس قرآن ج ۴ ص ۱۲۳

۲- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۱۸

۳- نساء / ۷۶

۴- انعام / ۵۵

۵- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۶۳

۶- قاموس قرآن ج ۳ ص ۲۲۴

۷- تسنیم ج ۱ ص ۴۵۹

۸- طه / ۵۰

است و خداوند به وسیله آن همه انسانها را به منافع دنیوی و اخروی هدایت می‌کند.^۱

۳- هدایت مخصوص مؤمنین: این هدایت از نوع پیدا کردن راه درست و مسیر مستقیم نیست، زیرا مؤمنین راه را یافته‌اند و در آن گام نهاده‌اند بلکه این نوع از هدایت، به معنای رساندن مؤمن به هدف نهایی است که به وسیله توجه و لطف خاص خداوند نسبت به مؤمن ممکن می‌شود.^۲

براین اساس می‌توان گفت که هدایت دارای مراحل و مراتب بسیاری است و هر فرد هدایت یافته‌ای امکان هدایت به مراتب بالاتر را دارد.^۳ پس مفهوم «اهدنا الصراط المستقیم» در نماز انسان مؤمن این است که او از خداوند، مراتب بالاتر هدایت را درخواست می‌کند.

مفهوم صراط مستقیم

قرآن کریم برای اراییه مفهوم «صراط مستقیم» انسانها را به سه دسته تقسیم کرده است و در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ...»^۴

(قطعاً کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان بر آنان گشوده نخواهد شد و در بهشت هم وارد نمی‌شوند...) از کسانی سخن به میان آمده است که به دلیل تکذیب آیات خداوند و استکبار در مقابل آن، درهای آسمان بر آنان گشوده نمی‌شود و این کنایه از محرومیت آنان از معنویات و رشد و شکوفایی معنوی آنان است. چنین کسانی مشمول غضب الهی گشته و راهشان به

۱- اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۱۱۶

۲- تفسیر اخلاقی آیه... مظاهری ۳- تفسیر راهنما ج ۲ ص ۳۷ با تصرف

۴- اعراف / ۴۰

سقوط و تباهی ختم می‌شود آنچنانکه در آیه «... وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»^۱ (کسیکه خشم من بر او فرود آید قطعاً سقوط کرده است) نتیجه انکار و تکذیب آنان را سقوط اعلام کرده است. یعنی نقطه مقابل صعود به آسمان که راه مؤمنین به آیات الهی است. یعنی آیه ۴۰ اعراف دو گروه از مردم و دو راه را معرفی می‌کند، راه کفر و سقوط و راه ایمان و صعود. در آیه «... وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^۲ (هر که کفر را جانشین ایمان سازد بی شک راه راست را گم کرده است) گروه سوم از مردم مطرح شده‌اند که راه را گم کرده و سرگردانند. این گروه «ضالین» هستند. بر این اساس معلوم می‌شود که «صراط مستقیم» راه مؤمنین است که قرآن کریم مهمترین ویژگی آنان را چنین بیان فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْإِيمَانُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»^۳ (کسانیکه ایمان آوردند و ایمان را به ستم شرک نیالودند ایمنی از عذاب برای آنان است و آنان راه یافتگانند) مؤمنین کسانی هستند که به هیچ وجه شرک و گمراهی در ایمانشان راهی ندارد و این گروه از مؤمنین کسانی هستند که در صراط مستقیم گام برداشته و به هدایت رسیده‌اند.^۴ پس صراط مستقیم، راهی است که هیچگونه کجی و انحراف از هدف در آن وجود ندارد و امن‌ترین راه به سوی خدا می‌باشد.

مصادقهای صراط مستقیم در قرآن و روایات

براساس آیات قرآن کریم مصادقهای «صراط مستقیم» عبارتند از:

- ۱- پرستش خداوند و اطاعت کامل از خدا در پیروی از دین و شریعت الهی. این امر راه مستقیمی است که توازن و تعادل میان دنیا و

۲- بقره / ۱۰۸

۱- طه / ۸۱

۴- المیزان ج ۱ ص ۴۸-۴۶ با تصرف

۳- انعام / ۸۲

آخرت را برای انسان فراهم کرده و او را در همه زمین‌های زندگی به سعادت حقیقی می‌رساند^۱. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۲ (و این که تنها مرا بندگی کنید که راه راست همین است). از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: منظور از «اهدنا الصراط المستقیم» درخواست هدایت از خداوند به سوی دین او و توسل به دین او و طلب معرفت افزونتر نسبت به خداوند است^۳.

۲- توکل و تکیه بر خداوند. قرآن کریم می‌فرماید: «...وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۴

(هر که به خدا تسمک جوید، قطعاً به راه راست رهبری شده است.)

۳- راه پیامبران. منظور از راه پیامبران، همان توحید و یکتاپرستی است. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۵ (بی تردید تو از پیامبرانی و بر راهی راست قرار داری) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند که منظور از صراط مستقیم، راه پیامبران است^۶.

۴- اسلام: در سلسله پیامبران الهی، آخرین پیامبر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. از آنجا که همه پیامبران مصداق صراط مستقیم بوده و دینشان در محدوده زمانی مختص به خود، صراط مستقیم بوده است، دین اسلام که کاملترین و آخرین دین آسمانی است، مصداق بارز صراط مستقیم است. قرآن کریم این مطلب را به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بیان فرموده است: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...»^۷ (همانا

۱- تفسیر من وحی القرآن ج ۱۹ ص ۱۵۹

۲- یس / ۶۱

۳- نورالثقلین ج ۱ ص ۲۰ «أنه قال: «اهدنا الصراط المستقیم» استرشاد لدینه و اعتصام بحبله واستزادة فی المعرفة لربه عزوجل...»

۴- آل عمران / ۱۰۱

۵- یس / ۳ و ۴

۶- تفسیر کنز الدقائق ج ۱ ص ۶۸: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله... «اهدنا الصراط المستقیم» صراط الانبياء و هم الذين انعم الله عليهم»

۷- انعام / ۱۵۳ و ۱۶۱

دین من راه راست من است، پس از آن پیروی کنید.)

۵- قرآن کریم. دین اسلام قانون کامل و نهایی خداوند برای سعادت دنیا و آخرت انسان و مصداق کامل صراط مستقیم است. از اینرو قرآن کریم کتاب آسمانی این دین که مشتمل بر آموزه‌ها و دستورات الهی است، مصداق دیگری از صراط مستقیم است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده‌اند که صراط مستقیم، مصداقهای متعددی دارد و یکی از آنها کتاب خدا (قرآن) است^۱

۶- امیرالمؤمنین و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت است که در توضیح آیه «اهدنا الصراط المستقیم» فرموده‌اند که منظور از صراط مستقیم، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و کسب معرفت نسبت به آن حضرت است. همچنین آن حضرت فرموده‌اند که: «به خدا سوگند که ما صراط مستقیم هستیم»^۲ یعنی رهبران آسمانی، نمونه‌های عینی و الگوهای عملی برای گام نهادن در راه مستقیم هستند.

نکته‌ها

- ۱- مهمترین درخواست یکتاپرستان، هدایت به راه مستقیم است: «ایاک نعبد... اهدنا الصراط المستقیم»
- ۲- برای دستیابی به راه مستقیم باید دعا کرد.
- ۳- بهترین نمونه استمداد از خداوند، درخواست راه مستقیم است: «ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم»
- ۴- ستایش خداوند و اظهار بندگی به درگاه او، از آداب دعاست «الحمد لله رب العالمین... اهدنا الصراط المستقیم»

۱- نور الثقلین ج ۱ ص ۲۰

۲- همان ص ۲۱: «عن ابی عبدالله قال هو امیرالمؤمنین و معرفته...» و «قال: واللّه نحن الصراط المستقیم»

- ۵- هدایت همگان بر صراط مستقیم، آرمان انسان موحد است.^۱
- ۶- باقی ماندن و پیش رفتن در مسیر هدایت، نیازمند عنایت لحظه به لحظه خداوند است.^۲

۱- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۸-۳۵ با تصرف

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ۱... مظاهری

خودآزمایی

- ۱- معنای هدایت چیست؟
- ۲- معنای اصلی واژه «صراط» چیست و مناسبت معنایی آن با «طریق» چیست؟
- ۳- صراط با سبیل چه فرقی دارد؟
- ۴- چرا در قرآن واژه صراط همواره به صورت مفرد بکار رفته است؟
- ۵- معنای واژه «مستقیم» چیست؟
- ۶- آیه «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۱ چه نوع هدایتی را مطرح می‌کند؟
- ۷- هدایت تشریحی را تعریف کنید؟
- ۸- هدایت تشریحی خاص است یا عام؟
- ۹- خداوند چند نوع هدایت دارد؟
- ۱۰- گفتن «اهدنا الصراط المستقیم» از سوی انسان مؤمن چه مفهومی دارد؟
- ۱۱- آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحْ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ»^۲ به چند گروه از مردم اشاره دارد؟
- ۱۲- مهمترین ویژگی مؤمنین براساس آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بظلم»^۳ چیست؟
- ۱۳- براساس آیه «وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۴ مصداق

۲- اعراف / ۴۰

۱- طه / ۵۰

۴- یس / ۶۱

۳- انعام / ۸۲

صراط مستقیم چیست؟

۱۴- امام رضا علیه السلام مصداق صراط مستقیم را چه چیزی مطرح فرموده‌اند؟

۱۵- براساس آیه «و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم»^۱ صراط مستقیم چیست؟

۱۶- در بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صراط مستقیم چیست؟

۱۷- براساس آیه «و أن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه»^۲ مصداق بارز صراط مستقیم چیست؟

۱۸- چرا قرآن مصداقی از صراط مستقیم است؟

۱۹- امام صادق علیه السلام در معرفی الگوهای عینی برای بشریت، مصداق صراط مستقیم را چگونه معرفی فرموده‌اند؟

۲۰- براساس سوره حمد، مهمترین درخواست یکتاپرستان از خداوند چیست؟

«صراط الذين أَنْعَمْتَ عليهم غير المغضوبِ عليهم ولا الضَّالِّينَ»

کلمات آیه

«أَنْعَمْتَ»: فعل «أَنْعَمْتَ» به معنی «نعمت دادی» و ریشه آن واژه «نعمت» است و نعمت آن چیزی است که خوب و دلچسب است و خدا به انسان داده است.^۱

«المغضوب»: «المغضوب» اسم مفعول از ریشه «غضب» به معنی خشم است که در مورد خداوند به معنی عقاب اوست.^۲ پس «مغضوب» یعنی کسی که مورد عقاب خداوند قرار گرفته است.

«ضالِّین»: «ضالِّین» جمع «ضالٌّ» و آن اسم فاعل از مصدر ضَلَّال و ضَلَّالَت به معنی انحراف از حق است. بنابراین «ضالِّین» یعنی کسانی که از حق منحرف شده و گمراه گشته‌اند.^۳

تفسیر آیه «صراط الذين أَنْعَمْتَ عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالِّین» (راه کسانی که به آنان نعمت داده‌ای، همانان که نه مورد خشم تواند و نه گمراهند).

گروه‌های مردم

انسانها از این نظر که چه راهی را انتخاب کرده و چه چیزی را به دست می‌آورند، به سه گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول انسانهایی هستند که راه عبودیت و بندگی خدا را طی

۲- همان ص ۱۰۳

۱- قاموس قرآن ج ۷ ص ۸۵

۳- همان ج ۴ ص ۱۹۲

می‌کنند و همانطور که درباره کلمه «الرحیم» گفته شد، مشمول رحمت خاص خداوند قرار می‌گیرند. گروه دوم در مقابل گروه اولند، آنها به جای خدا، غیر خدا را برگزیده‌اند و خدا را عصیان کرده‌اند. در نتیجه آثار اعمالشان پی در پی در وجودشان ظهور کرده و آنان را از راه راست دائماً دورتر می‌کند. این گروه مورد غضب الهی قرار گرفته و به دره هولناک شقاوت سقوط می‌کنند.^۱

گروه سوم گروهی حیران و سرگردانند که از پیشوایان کفر پیروی می‌کنند^۲

نعمت یافتگان در قرآن

منظور از «نعمت» در «أنعمت علیهم» براساس فرازهای قبل و بعد، نعمت هدایت است نه نعمتهای مادی. زیرا همه موجودات حتی کافران از نعمتهای مادی برخوردار هستند. بنابراین و براساس طبقه‌بندی این آیه شریفه، انسانها به ثابت قدمان بر هدایت، مغضوبین درگاه خدا و گمراهان تقسیم می‌شوند.^۳ قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، نعمت یافتگان و ثابت قدمان بر هدایت را چنین معرفی می‌کند.

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۴
(و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت هدایت داده و اینان نیکو رفیقانی هستند) این آیه در بیان کسانی که خداوند نعمت خویش را بر آنها تمام کرده است به چهار گروه اشاره می‌کند:

۱- انبیا و فرستادگان مخصوص پروردگار که نخستین گام را برای

۲- تفسیر احسن الحدیث ج ۱ ص ۲۶

۴- نساء / ۶۹

۱- آشنایی با قرآن ج ۲ ص ۱۱۹

۳- تفسیر راهنما ج ۱ ص ۳۸

هدایت و رهبری مردم و دعوت به صراط مستقیم بر می‌دارند.

۲- راستگویان، کسانی که هم در سخن راست می‌گویند و هم با عمل و کردار، صدق گفتار خود اثبات می‌کنند و نشان می‌دهند که مدعی ایمان نیستند بلکه به راستی به فرمانهای الهی ایمان دارند. در بعضی از روایات «صدیقین» به علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام تفسیر شده است.

۳- شهداء و کشته شدگان در راه هدف و عقیده پاک الهی و یا افراد برجسته‌ای که روز قیامت شاهد و گواه اعمال انسانها هستند.

۴- صالحان و افراد شایسته و برجسته‌ای که با انجام کارهای مثبت و سازنده و پیروی از انبیاء به مقامات برجسته‌ای نایل شده‌اند و به همین جهت در روایات، صالحین به یاران برگزیده ائمه علیهم السلام تفسیر شده است.^۱ ویژگی مشترک این چهار گروه علاوه بر نعمت هدایت، حسن رفاقت است که در انتهای آیه مطرح شده است. و راز حسن رفاقت آنان این است که آنان رهروانی آگاهند و در پیمودن راه مستقیم موفقند و می‌توانند همسفران خود را به سلامت به مقصد برسانند.^۲

براساس فراز آغازین آیه که می‌فرماید «و من یطع الله و الرسول...» (کسانیکه از خدا و پیامبر اطاعت کنند) همسفران انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین در صراط مستقیم، کسانی هستند که از خدا و رسول خدا پیروی می‌کنند و در مقابل، کسانیکه از اطاعت خدا و رسول سرپیچی کنند از اهل گمراهی هستند: «و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً»^۳ (هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.) و این گمراهی موجب غضب خداوند نیز می‌گردد.^۴

پس نعمت داده شدگان همان هدایت یافتگان هستند که بر صراط

۲- تسنیم ج ۱ ص ۵۲۰

۱- تفسیر نمونه ج ۳ ص ۴۶۰

۴- تسنیم ج ۱ ص ۵۴۴ با تصرف

۳- احزاب / ۳۶

مستقیم ثابت قدم هستند و مورد غضب خدا واقع نشده و به گمراهی گرایش ندارند و خداشناسان موحد، خواهان هدایت به راه این نعمت یافتگان هستند.

تذکر

وقتی که سخن از صراط مستقیم است و آن را به بزرگراه تشبیه می‌کنند و انسان را رهرو آن معرفی می‌کنند، اینها همه جنبه تمثیلی دارد، وگرنه صراط مستقیم یک جاده مادی نیست، بلکه عبارت از این است که تربیت و تزکیه قرآن، و سنت و سیره معصومین در رفتار و ساختار اخلاقی و جوهر ذات انسان وارد شود. در واقع، این انسان، خود به صراط مستقیم قرآن، به عنوان نمونه عینی و قابل تقلیدی مبدل می‌شود. از اینجا مفهوم برخی از احادیث روشن می‌شود که در آنها از معصوم سؤال شده است که صراط مستقیم چیست؟ پاسخ فرموده‌اند: «صراط مستقیم ما».

یعنی امام معصوم در همه چیز، پیشوای انسان است و اگر حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «من قرآن ناطقم» یعنی او به نمونه عینی قرآن تبدیل شده است.^۱

از این رو می‌توان گفت که این آیه، مسأله تولی و تبری را مطرح می‌کند. یعنی شناخت دوست و دشمن و اعلام موضع در برابر آنان، شناخت پیشوایان الهی و پیروی از روش و منش آنان و شناخت دشمنان خداوند و اعلام تنفر و بیزاری از آنان و از راه و روش آنان.^۲

۱- نسیم حیات ج ۱ ص ۴۸

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ... مظاهری، با تصرف

نعمتهای ظاهری و باطنی

قرآن کریم همه نعمتها را از جانب خداوند می‌داند «و ما بکم من نعمه فَمِنْ اللَّهِ»^۱ (هرچه نعمت دارید از جانب خداست و آنها را غیر قابل شمارش معرفی می‌کند. «وَ إِنْ تَعُدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^۲ (و اگر نعمتهای خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آنها را به آخر برسانید) این نعمتها برخی ظاهری و برخی دیگر باطنی و معنوی هستند: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»^۳ (نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما کامل کرده است.) نعمتهای ظاهری مانند مال و فرزندان، زینت زندگی دنیا هستند: «المَالُ وَ البنونَ زینةُ الحَیوةِ الدنِیَا»^۴ (مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند) و نفع رسانی آنها به زندگی دنیا منحصر است: «یومَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ»^۵ (روزی که نه مال سود می‌دهد و نه فرزندان). قرآن آنها را موجب سرکشی و استکبار برخی از انسانها می‌داند: «وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَی الْإِنسَانِ أَعْرَضَ...»^۶ (و چون به انسان نعمت ارزانی داریم روی می‌گرداند) زیرا این نعمتها ابزار فریبکاری شیطان هستند: «لَا زینةَ لَهُمْ فی الارضِ وَ لَا غوینَّهُمْ اجمیعین»^۷ (با تزئین نعمتهای دنیا، آنها را گمراه می‌کنم). این نعمتها ابزار آزمایش انسان هستند «انا جعلنا ما علی الارضِ زینةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَیُّهُمْ احسنُ عمالاً»^۸

(همانا ما آنچه را که بر زمین است زینتی برای آن قرار دادیم تا امتحانشان کنیم که کدامیک بهتر عمل می‌کنند).

بنابراین نعمتهای مادی و ظاهری یا عامل امتحان است یا عامل عذاب الهی، گاه ابزار خدمت به دین است و گاهی عامل مغضوب شدن و

۲- نحل / ۱۸

۱- نحل / ۵۳

۴- کهف / ۴۶

۳- لقمان / ۲۰

۶- اسراء / ۸۳

۵- شعراء / ۸۸

۸- کهف / ۷

۷- حجر / ۳۹

گمراهی از دین است. اما نعمتهای باطنی و معنوی که همان توفیقات الهی است، زمینه‌ساز سعادت انسان است.^۱ و منظور از آن، نعمتهای غایب از حسّ مانند شعور و اراده و عقل است به اضافه مقامات معنوی که تنها از راه اخلاص در عمل حاصل می‌گردد.^۲ امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر آیه «... وَاسْبِغْ عَلَیْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...»^۳ (و خداوند نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما کامل کرده است)، مهمترین نعمت باطنی و معنوی را نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام دانسته و چنین فرموده است: منظور از نعمت ظاهری در این آیه، پیامبر اسلام و توحید خداوند و معارف الهی است اما منظور از نعمت باطنی، نعمت موالات اهل بیت علیهم السلام و پیمان بر سر مودت آنان است. این مطلب را در این سخن خداوند تأیید می‌کند که می‌فرماید: «الْیَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِي»^۴ (امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم) و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ذریه پاک آن حضرت، همان نعمت باطنی است که خداوند بواسطه آن دین را کامل و نعمت را تمام کرد.^۵

و بنابراین، مصداق دیگر نعمت باطنی، امام غائب است. زیرا امام موسی الكاظم علیه السلام در پاسخ به فردی که درباره نعمت ظاهری و باطنی پرسش کرد فرمود: نعمت ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است.^۶

بر پیامبر گشت امر از ربّ دین

تا که فرماید علی را جانشین

۱- تسنیم، ج ۱ ص ۵۲۱

۲- المیزان ج ۱۶ ص ۳۴۳

۳- مائده / ۳

۴- لقمان / ۲۰

۵- تأویل الايات الظاهرة ج ۱ ص ۴۳۱

۶- نورالثقلین ج ۴ ص ۲۱۲

در غدیر خم، رسول با شکوه
 دست او بگرفت در پیش گروه
 گفت هر داند به خویش اولی مرا
 در دو دنیا مالک و مولا مرا
 همچنین باشد علی مولای او
 والی امروز، هم فردای او
 او ولی حق بود بر خاص و عام
 نعمت حق بر شما ز او شد تمام
 دین اسلام از علی کامل شود
 بی ولایت کیش و دین باطل بود
 شاد باشید ای گروه مؤمنان
 دینتان امروز کامل گشت از آن
 این ولایت اصل دین و نعمت است
 خلق را از حق نشان عزت است^۱

درجات نعمت یافتگان

انسانها در روز قیامت سه گروهند: گروهی که کارشان با یمن و برکت توأم بوده که «اصحاب میمنت» نام دارند، گروهی که کارشان همواره با شومی با شومی و زشتی همراه بوده و برای خود و جامعه خود شوم بوده‌اند یعنی اهل گناه و عصیان بوده‌اند که آنها «اصحاب مشئمت» نام دارند. گروه سوم پیشتازان و پیشگامان در فضائل و از مقربین درگاه خداوند هستند که آنها «مقربون» نام دارند^۲ از تطبیق این مطلب بر آیه «صراط الذین انعمت علیهم...» بر می‌آید که نعمت یافتگان خود به

۲- سوره واقعه / ۱۲-۷

۱- تفسیر صفی ج ۱ ص ۱۷۶

دو گروه تقسیم می‌شوند: اصحاب میمنت و مقربان^۱ اصحاب میمنت مؤمنینی هستند که به توفیق الهی در صراط مستقیم گام نهاده و آنرا پیموده‌اند و مقربان، ممتازان در ایمان و عمل هستند که از مقربان درگاه الهی شده‌اند. اما باز هم هر یک از افراد این دو گروه ظرفیت تکاملشان پر نشده است برای همین هم طبق تعلیم قرآن کریم دائماً هدایت بر صراط مستقیم را از خداوند طلب می‌کنند. این هدایت برای اصحاب میمنت طلب نعمتهای معنوی افزونتر و محفوظ ماندن از ضلالت و غضب الهی است و برای مقربان طلب درجات برتر است. از این رو و اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌گویند «اهدنا الصراط المستقیم»

مغضوبین در قرآن

در آیات متعددی از قرآن کریم، ویژگیها و مصادیق غضب شدگان بیان شده است که عبارتند از:

۱- منافقین، مشرکین و بدگمانان به خداوند: «و یُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمَشْرِكِينَ وَ الْمَشْرَكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ... وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...»^۲ (و تا مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا سوء ظن دارند، عذاب کند و خدا برایشان خشم گرفته است.)

منافق به معنای کسی است که ظاهر مسلمان و باطن کافر دارد و شرک تنها به معنی عبادت بیت یا خورشید و ماه نیست بلکه به همه اقسام شرک اشاره دارد مثل شرک صفاتی (قائل شدن به صفات زاید بر ذات) یا شرک افعالی (اعتقاد به الهه‌ها) یا شرک نظری (اسباب را مؤثر دانستن) و بدگمانی به خدا شامل هر گمان ناشایست است مثل اینکه خدا را عادل ندانند یا نسبت فرزند به او بدهند و یامنکر ارسال پیامبران

و نزول کتابهای آسمانی شوند.^۱ بنابراین همه کسانی که این ویژگیها را داشته باشند، مورد غضب خداوند واقع می‌شوند.

۲- کافران به آیات الهی، قاتلان پیامبران و عاصیان: «و بَاءٌ و بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بَأْتُهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ و يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا و كَانُوا يَعْتَدُونَ»^۲

(...و به خشم خدا گرفتار آمدند این بدان سبب بود که آیات الهی را انکار می‌کردند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند این از آنها روی بود که مردمی نافرمان بودند و پیوسته تجاوز می‌کردند.)

براساس این آیه شریفه علت اصلی کفر به آیات خدا و قتل پیامبران، عصیان و طغیان انسان در برابر حق است. یعنی نافرمانی خدا و مداومت در تجاوز از حق، موجب قساوت قلب شده و عامل کفر به آیات خدا و گناهان عظیمی همچون قتل پیامبران می‌گردد که این خود موجب مغضوب شدن میشود.

۳- دنیا پرستان مرتد: «مَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيْمَانِهِ... وَلَكِن مَّن شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ و لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. ذَلِكَ بَأْتُهُمْ اسْتَحْبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ...»^۳ (هر کس پس از ایمانش به خدا کافر شود و سینه خود را به کفر بگشاید، خشمی از خدا بر آنهاست و ایشان را عذابی بزرگ خواهد بود. این بدان سبب است که آنها زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند...)

براساس این آیات شریفه، دنیاپرستی و ترجیح حیات مادی بر حیات آخرت، عامل پذیرش کفر گشته و انسان را مشمول غضب خداوند می‌گرداند. به عبارت دیگر منشأ ارتداد که به معنی کفر پس از ایمان است، دنیاپرستی است و مرتد شدن موجب غضب الهی می‌گردد.

۱- طیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۲ ص ۲۰۰

۳- نحل / ۱۰۶ و ۱۰۷

۲- بقره / ۶۱

بر این اساس، سوره «حمد» به ما می‌آموزد که از خداوند طلب کنیم که در زمره «مغضوبین» نباشیم، یعنی اهل کفر، شرک، نفاق، دنیاپرستی، عصیان و طغیان در برابر حق نباشیم.

ضالین در قرآن

در قرآن کریم افرادی به عنوان گمراه معرفی شده‌اند از جمله:

۱- کسانی که ایمان خود را تبدیل به کفر کردند: «... وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^۱ (هر که کفر را جانشین ایمان سازد بی شک راه راست را گم کرده است).

براساس فرازهای قبل و بعد این آیه شریفه، تطبیق دین خدا با میل‌های نفسانی، آغاز تبدیل ایمان به کفر است و هرچه این حالت بیشتر باشد، انحراف از راه راست بیشتر شده و گمراهی انسان بیشتر می‌شود تا به آنجا که کفر پیشگان در چهره خیراندیشی، انسان را به سوی کفر مطلق بر می‌گردانند^۲

۲- مشرکین: «... وَ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۳ (و هر که برای خدا شریک بگیرد، قطعاً دچار گمراهی دوری شده است.) شرک در حقیقت بریدن از خدا و دور شدن از اوست. شرک، بنده را آنچنان از خدا دور می‌کند که حتی در آخرت نیز قابلیت آمرزش نیافته و به خدا نمی‌رسد از اینرو در این آیه، شرک به ضلال بعید و گمراهی دور توصیف شده است تا دوری مشرک را از خدا برساند^۴

۳- کفار «... وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۵

۲- پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۲۶۵

۱- بقره / ۱۰۸

۳- نساء / ۱۱۶

۴- تفسیر احسن الحدیث ج ۲ ص ۴۵۳ با تصرف

۵- نساء / ۱۳۶

(و هر که به خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و فرستادگان او و به روز واپسین کافر شود بی گمان به گمراهی دوری افتاده است. تعبیر به ضلال بعید (گمراهی دور) تعبیر لطیفی است یعنی چنین اشخاصی، آنچنان از جاده اصلی پرت شده‌اند که بازگشتشان به شاهراه اصلی به آسانی ممکن نیست.^۱

۴- عصیان گران: «... وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مَبِينًا»^۲

(هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.)

این آیه مطرح می‌کند که هر انتخاب و نظری که مخالف قانون خدا و رسول باشد، معصیت و انحراف از راه راست است. بنابراین انسان حق ندارد در برابر خواست خداوند اعمال سلیقه کند زیرا خداوند راه سعادت انسان را بهتر می‌داند. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «ای بندگان خدا شما همچون بیمار و خدا مانند طبیب است. مصلحت مریض در نسخهٔ طبیب است نه آنچه بیمار تمایل دارد. پس تسلیم امر خدا باشید تا رستگار شوید»^۳ بنابراین خدا و رسول بر امور مردم ولایت کامل دارند و سرپیچی از اراده و فرمان آنها، گمراهی و انحراف آشکار است.^۴

۵- مسلمانانی که کفار را سرپرست و دوست خود گرفتند: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء و قد کفروا... وَ مَنْ یَفْعَلْهُ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^۵

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را

۱- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۱۶۷

۲- میزان الحکمه ج ۴ ص ۵۴۵

۳- تفسیر نور ج ۹ ص ۳۶۹

۴- احزاب / ۳۶

۵- ممتحنه / ۱

دوست نگیرید... در حالیکه به قرآن کافر شدند... و هر کس از شما چنین کند قطعاً راه راست را گم کرده است.

کسی دشمن خداست که خدا را نمی‌پرستد، و دعوت او را نمی‌پذیرد و رسول او را تکذیب می‌کند. دشمن خدا قطعاً دشمن مؤمنین به خدا نیز هست به همین دلیل فرموده است که دوستی با کفار موجب گمراهی از راه راست است زیرا دوستی کردن با کفار، از دشمنی آنها نمی‌کاهد و اگر آنها بر مؤمنین دست یابند، به این امید که آنها را از دینشان برگردانند و کافر کنند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند.^۱

وحدت مصداقی ضال و مغضوب

براساس استعمال قرآن، کافر و مشرک و منافق و اهل عصیان و معصیت در زمره مغضوبین و ضالین هستند یعنی هر گمراهی به میزان گمراهیش گرفتار غضب الهی است و هر مغضوبی به اندازه مغضوب بودنش گمراه است. به عبارت دیگر هر منحرف از حقی، هم ضال و گمراه است و هم مغضوب و مورد خشم خداوند^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: هر که به خدا کافر شود، مغضوب و ضال از سبیل الله است.^۳

مصداقی از ضال و مغضوب در روایات

از امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود: «هر کس از تسلیم در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام، تجاوز کند در زمره مغضوبین و ضالین است.»^۴
در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند که: شیعه علی علیه السلام نعمت

۱-المیزان ج ۱۹ ص ۳۹۲ با تصرف ۲-تسنیم ج ۱ ص ۵۵۰ با تصرف

۳-الأصفي في تفسير القرآن ج ۱ ص ۹: «كُلُّ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ فَهُوَ مَغْضُوبٌ عَلَيْهِ وَضَالٌ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ»

۴-کنز الدقایق و بحر الغرائب ج ۱ ص ۷۹: «إِنَّ مَنْ تَجَاوَزَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْعَبُودِيَّةَ، فَهُوَ مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ مِنَ الضَّالِّينَ»

یافتگانند و نعمت ولایت علی علیه السلام به آنها داده شده است و به همین دلیل آنها جزء مغضوبین و ضالین نیستند^۱ مفهوم این روایت این است که خروج از مذهب اهل بیت علیهم السلام موجب می شود که انسان در زمرة مغضوبین و ضالین قرار گیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر یهود را مصداق مغضوبین و نصاری (مسیحیان) را مصداق ضالین معرفی نموده اند^۲

براساس آیات قرآن کریم، یهودیان به خاطر رفتار و کردارشان دچار غضب خداوند شدند، برخی از آنان دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند^۳ برخی به ربا و حرام خواری و رفاه طلبی روی آوردند^۴ توده مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن پروری و ترس از دستور خداوند سرپیچی نمودند^۵ مسیحیان نیز مصداقی از گمراهان و منحرفین معرفی شده اند زیرا براساس قرآن کریم^۶ آنها اهل غلو و افراط در دین خود گشته و از هوی و هوس خود پیروی نمودند و بنده و رسول خدا را فرزند خدا دانستند.

ما در هر نماز از خداوند می خواهیم که مانند غضب شدگان نباشیم یعنی نه اهل تحریف آیات الهی، نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حق و همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حق را رها کرده و به سراغ باطل می روند و در دین و باور خود غلو و افراط کرده و از هوی و هوس خود پیروی می کنند.

۱- تفسیر فرات کوفی ج ۱ ص ۵۱: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله شیعة علی الذین انعمت علیهم

بولایة علی بن ابی طالب علیه السلام لم تغضب علیهم و لم یضلوا

۲- نورالثقلین ج ۱ ص ۲۵: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله «غیر المغضوب علیهم» الیهود و لا

الضالین» النصاری» ۳- نساء / ۴۶

۴- نساء / ۱۶۱ ۵- مائده / ۲۴

۶- مائده / ۷۷

فرق مغضوب و ضالّ

امام رضا علیه السلام در تبیین تفاوت مغضوبین و ضالّین فرموده‌اند: «مغضوبین همان معاندین کافر هستند ولی ضالّین کسانی هستند که معرفت و شناخت ندارند اما گمان می‌کنند که راهشان و عملشان درست است.^۱»

یعنی تفاوت مغضوب و ضال در دانایی و جهل است. یعنی کسانی که دانسته و از سر لجاجت در مقابل حق مقاومت کرده و امر خدا را سبک شمرده و به اوامر و دستورات و نواهی الهی عمداً بی توجهی می‌کنند، مغضوبند همانند یهود، اما کسانی که لجوج نیستند و از سر نادانی و جهالت در مقابل حق قرار گرفته‌اند، ضالّ و گمراهند^۲ با توجه به آیات قرآن، هر دوی آنها اهل آتشند اما با توجه به درجه بندی گناهان، با هم فرق دارند. مغضوب به کافران و فاسقانی گفته می‌شود که علاوه بر انحرافشان از راه خدا، معاند و لجوج هم هستند و در گمراهی دیگران نیز نقش مؤثر دارند ولی ضال به کافر و فاسقی اطلاق می‌شود که عناد و لجاجت ندارد و از سر جهالت به انحراف رفته است^۳ اما از آنجا که در طلب حق کوتاهی نموده و با وجود اتمام حجت و اقامه حق، نسبت به آن کوتاهی کرده و معرفت کسب نکرده است، مستحق عقوبت الهی است^۴

۱- تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۲۴ «غیر المغضوب علیهم» استغارة من أن یکون من المعاندین الکافرین المستحقین به و بأمره و نهیمه و «والالضالین» اعتصام من أن یکون من الذین ضلّوا عن سبیله من غیر معرفته و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعاً»

۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، آیه ... مظاهری، باتصرف

۳- نسیم حیات ج ۱ ص ۴۹ با تصرف

۴- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۶۴ با تصرف

نکته‌ها

- ۱- این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت هدایت واقع شده‌اند و عبارتند از انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین.
- ۲- توجه به راه این گروهها و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، انسان را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد.
- ۳- هدایت شدگان نیز در معرض خطر هستند و باید دائماً از خدا بخواهند که مسیرشان به غضب و گمراهی کشیده نشود.
- ۴- در قرآن افرادی همانند فرعون، قارون، ابولهب و امتهایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی اسرائیل به عنوان غضب شدگان معرفی شده‌اند، توجه به خصوصیات این افراد و گروهها، انسان را از قرار گرفتن در مسیر آنان باز می‌دارد.
- ۵- انسان عشق و علاقه و تولای خود را به انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحین و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ برائت و دوری می‌جوید.
- ۶- در قرآن نام برخی افراد به عنوان گمراه کننده آمده است از قبیل ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسای منحرف و نیاکان منحرف، که توجه به خصوصیات این افراد، موجب پرهیز انسان از آنان و افرادی مشابه آنان می‌گردد.
- ۷- زمینه‌های ایجاد انحراف از نظر قرآن عبارتند از: هوسها، بتها، گناهان، پذیرش ولایت باطل، جهل و نادانی. توجه به این عوامل موجب هوشیاری انسان شده و او را از پیروی کردن از هوسها و بتهای بشری باز داشته و از فرو افتادن در ورطه نادانی و گناه مصون می‌دارد.
- ۸- ابراز تنفر از مغضوبان و منحرفان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می‌کند^۱

۱- تفسیر نور ج ۱ ص ۳۶-۳۷ با تصرف

خودآزمایی

- ۱- «نعمت» چیست؟
- ۲- معنی فعل «أنعمت» چیست؟
- ۳- «مغضوب» یعنی چه؟
- ۴- مفرد واژه «ضالین» چیست و معنای آن چه می‌باشد؟
- ۵- انسانها به اعتبار راهی که بر می‌گزینند به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
- ۶- منظور از «نعمت» در عبارت «أنعمت علیهم» چیست؟
- ۷- براساس آیه «صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» انسانها به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
- ۸- براساس آیه «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱ نعمت یافتگان چه کسانی هستند؟
- ۹- صدیقین چه کسانی هستند؟
- ۱۰- براساس روایات اسلامی، مصداق صدیقین چه کسانی هستند؟
- ۱۱- شهداء چه کسانی هستند؟
- ۱۲- صالحین چه کسانی هستند؟
- ۱۳- براساس روایات اسلامی مصداق صالحین چه کسانی هستند؟
- ۱۴- «حَسَنَ رَفَاقًا» در آیه ۶۹ سوره نساء به چه معناست؟
- ۱۵- براساس آیه ۶۹ سوره نساء نعمت یافتگان چه ویژگی مشترکی

دارند؟

۱۶- براساس فراز آغازین آیه ۶۹ سوره نساء که می‌فرماید: «وَمَنْ يَطْعُ اللَّهَ وَالرَّسُولَ» همسفران و پیروان نعمت یافتگان در صراط مستقیم چه کسانی هستند؟

۱۷- آیه «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا»^۱ عامل ضلالت و انحراف را چه چیزی معرفی می‌کند؟

۱۸- منظور امیرالمؤمنین علیه السلام از این سخن که می‌فرماید «من قرآن ناطق هستم» چیست؟

۱۹- تولی و تبری یعنی چه؟

۲۰- کدام آیه سوره حمد تولی و تبری را مطرح می‌کند؟

۲۱- پیام آیه «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»^۲ چیست؟

۲۲- پیام آیه «وَأِنْ تَعَدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا»^۳ چیست؟

۲۳- پیام آیه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۴ چیست؟

۲۴- پیام آیه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۵ چیست؟

۲۵- پیام آیه «لَا زِينَةَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»^۶ چیست؟

چیست؟

۲۶- پیام آیه «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ

أَحْسَنُ عَمَلًا»^۷ چیست؟

۲۷- براساس آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۸ نعمتهای

الهی چند دسته‌اند؟

۲۸- منظور از نعمتهای ظاهری چیست؟

۲۹- منظور از نعمتهای باطنی چیست؟

۲- نحل / ۵۳

۱- احزاب / ۳۶

۴- کهف / ۴۶

۳- نحل / ۱۸

۶- حجر / ۳۹

۵- شعراء / ۸۸

۸- لقمان / ۲۰

۷- کهف / ۷

- ۳۰- براساس روایت امام صادق علیه السلام مهمترین نعمت باطنی چیست؟
- ۳۱- براساس روایت امام صادق علیه السلام منظور از نعمتهای ظاهری در آیه ۲۰ سوره لقمان چه نعمتهایی است؟
- ۳۲- منظور از نعمت در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی»^۱ چیست؟
- ۳۳- امام موسی الکاظم علیه السلام در بیان مصداقی از نعمت ظاهری و باطنی چه فرموده‌اند؟
- ۳۴- مردم در روز قیامت چند گروه‌اند؟
- ۳۵- اصحاب میمنت چه کسانی هستند؟
- ۳۶- اصحاب مشئمت چه کسانی هستند؟
- ۳۷- مقربون چه کسانی هستند؟
- ۳۸- طلب هدایت از جانب اصحاب میمنت به چه معناست؟
- ۳۹- طلب هدایت از جانب مقربون به چه معناست؟
- ۴۰- برخی از گروههای مغضوبین را براساس آیات قرآن نام ببرید.
- ۴۱- منافق به چه کسی گفته می‌شود؟
- ۴۲- منظور از شرک در آیه «و یعذب المنافقین... و المشرکین... اِطَّانِینَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ... وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ»^۲
- ۴۳- براساس آیه ۶ سوره فتح چه کسانی مورد غضب الهی هستند؟
- ۴۴- منظور از گمان بد داشتن به خدا در آیه ۶ سوره فتح چیست؟
- ۴۵- براساس آیه «و بَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا یَكْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا یَعْتَدُونَ»^۳ چه چیزی موجب گرفتار شدن به غضب الهی می‌شود؟
- ۴۶- براساس آیه ۶۱ سوره بقره علت اصلی کفر به آیات خدا و قتل

پیامبران چیست؟

۴۷- براساس آیات «من كفر بالله من بعد ايمانه... ولكن من شرح بالكفر صدراً فعليهم غضبٌ من الله ذلك بأنهم استحبوا الحياة الدنيا على الآخرة»^۱ عامل اصلی ارتداد انسان است؟

۴۸- ارتداد یعنی چه؟

۴۹- براساس آیه «من يتبدل الكفر بالايمن فقد ضلّ سواء السبيل»^۲ ضالّین چه کسانی هستند؟

۵۰- شرک در آیه «و من يشرك بالله فقد ضلّ ضلالاً بعيداً»^۳ به چه چیزی توصیف شده است؟

۵۱- براساس آیه «و من يكفر بالله و ملائكة و كتبه و رسله و اليوم الآخر فقد ضلّ ضلالاً بعيداً»^۴ ضالّین چه کسانی هستند؟

۵۲- منظور از تعبیر «ضلال بعيد» در آیه ۱۳۶ سوره نساء چیست؟

۵۳- پیام آیه «و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً مبيناً»^۵ چیست؟

۵۴- پیامبر اکرم ﷺ در تبیین ولایت کامل خدا و رسول بر مردم، چه تمثیلی بیان فرموده‌اند؟

۵۵- براساس آیه «يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوئى و عدوكم اولياء... و قد كفروا... و من يفعل منكم فقد ضلّ سواء السبيل»^۶ چه عاملی موجب انحراف مسلمانان می‌شود.

۵۶- امام صادق عليه السلام در بیان وحدت مصداقی مغضوب و ضالّ چه فرموده‌اند؟

۵۷- در بیان امام رضا عليه السلام چه کسی مصداق مغضوبین و ضالّین

۲- بقره / ۱۰۸

۱- نحل / ۱۰۷ و ۱۰۶

۴- نساء / ۱۳۶

۳- نساء / ۱۱۶

۶- ممتحنه / ۱

۵- احزاب / ۳۶

است؟

۵۸- در بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مصداق نعمت یافتگان چه کسانی

هستند؟

۵۹- در بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مصداق مغضوبین و ضالین چه کسانی

هستند؟

۶۰- براساس آیات قرآن چرا یهودیان به غضب الهی دچار شدند؟

۶۱- براساس آیات قرآن علت انحراف مسیحیان چیست؟

۶۲- فرق مغضوب و ضال چیست؟

۶۳- امام رضا علیه السلام در تبیین تفاوت مغضوبین و ضالین چه

فرموده‌اند؟

۶۴- از نظر قرآن کریم، چه چیزهایی عوامل ایجاد انحراف هستند؟

۶۵- تأثیر تبرّی و ابراز تنفر از مغضوبین و منحرفین در جامعه

اسلامی چیست؟

۶۶- معرفی افراد مورد غضب در قرآن چه فایده‌ای برای انسان

دارد؟

۶۷- معرفی افراد گمراه کننده که موجب انحراف دیگران می‌شوند،

چه فایده‌ای برای انسان دارد؟

۶۸- برخی از افراد خاص که در قرآن کریم به عنوان گمراه کننده

معرفی شده‌اند نام ببرید.

۶۹- برخی از افراد و امتهایی که در قرآن به عنوان مغضوبین معرفی

شده‌اند نام ببرید.

۷۰- توجه به راه نعمت یافتگان و آرزوی پیمودن صراط مستقیم

چه تأثیری در انسان دارد؟

فهرست منابع

- ۱- تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش
- ۲- تفسیر اخلاقی قرآن کریم، حسین مظاهری، نرم افزار مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س) بی تا
- ۳- پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش
- ۴- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی. قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
- ۵- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش
- ۶- تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش
- ۷- تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش
- ۸- اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش
- ۹- تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش
- ۱۰- تفسیر اثنا عشری، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش
- ۱۱- تفسیر صفی، حسن بن محمد باقر صفی علیشاه، تهران، انتشارات منوچهری، ۱۳۷۸ ش

- ۱۲- تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق
- ۱۳- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق
- ۱۴- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش
- ۱۵- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق
- ۱۶- نسیم حیات، ابوالفضل بهرامپور، قم، آوای قرآن، ۱۳۸۸ ش
- ۱۷- الدور المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیه... مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق
- ۱۸- کنزالدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۶۸ ش
- ۱۹- تفسیر القرآن کریم، صدر المتألهین، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ ش
- ۲۰- آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰ ش
- ۲۱- التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، بی تا
- ۲۲- معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، حسین بن مسعود بغوی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۳- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق
- ۲۴- فی ظلال القرآن، سید بن قطب، بیروت - قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ ق
- ۲۵- منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اله کاشانی، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش
- ۲۶- البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهران. قم، مؤلف، ۱۴۱۹ ق
- ۲۷- کشف الاسرار و عدة الابرار، رشید الدین میبیدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش

۲۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری، حبیب اله آموزگار، تهران، اقبال،

۱۳۶۹ ش

۲۹- انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، تهران،

کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق

۳۰- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش

۳۱- تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۴۲۴ ق

۳۲- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۷۵ ش

۳۳- تفسیر من وحی القرآن، سید محمد حسین فضل اله، بیروت،

دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق

۳۴- تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تهران،

سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق

۳۵- الاصفی فی تفسیر القرآن، ملا محسن فیض کاشانی، قم، مرکز

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق

۳۶- تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ق

۳۷- الموسوعة القرآنیة، ابراهیم ابیاری، بی‌جا، مؤسسه سجل العرب،

۱۴۰۵ ق

۳۸- تأویل الآیات الظاهره، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی، قم،

دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق

۳۹- تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران، انتشارات اسلامی،

۱۳۹۸ ق

۴۰- برگزیده تفسیر نمونه، احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۸۲ ش

۴۱- راز رشد آگاهی، محمد بابایی، تهران، انتشارات راز توکل، ۱۳۸۷ ش